

ملاحظات و تصحیحات (۱۱)

محمد کاظم رحمتی *

چکیده

نگارنده هجده نکته و نو یافته پژوهشی در باره سه موضوع بیان می دارد: در باره تاریخ ایران قرن ششم، از کتابخانه نقیب النقباء ری، ابوالحسن زنگی جشمی، سید ابوالفضل محمد بن علی حسین یاد می کند. در موضوع عالمان مهاجر احساء و بحرین به چند دانشور اشاره می کند: یحیی بن حسین سلم آبادی، سلیمان بن منصور بحرانی، محمد بن منصور صانع بحرانی، حاجی بن منصور احسائی و رمضان بن علی غریبی. نیز در موضوع تاریخ شیعه در حجاز و بحرین این عناوین را می خوانیم: ابن ابی حریف و کتابت نسخه خلاصه الاقوال علامه حلی در قرن نهم، اهمیت حواشی مالکان احسائی نسخه ها، ارتباط عالمان قطیف با دیگر مراکز علمی شیعه، روستاهای از بین رفته بحرین و اول بر اساس شواهد نسخه شناسی، علی بن جعفر احسائی اهل روستای سُحیمیه، نقش عالمان بحرین قدیم در حفظ و انتقال تراث کهن امامیه، اهتمام عالمان احسائی به کتابت و ترویج تفسیر فرات کوفی، خاندان نجار احسائی، روابط فرهنگی بین بخشهای بحرین قدیم. هر یک از این نکته هادر بازنگری به تاریخ تشیع در ایران و حجاز و تعامل فرهنگی میان این دو منطقه جایگاهی مهم دارد و به عنوان بایسته پژوهشی می تواند کلیدی برای تحقیقات مفصل باشد.

کلیدواژه ها

تاریخ شیعه در ایران - قرن ششم؛ تاریخ شیعه در حجاز - نکات و فوائد؛ تاریخ شیعه در بحرین - نکات و فوائد؛ تعامل فرهنگی دینی ایران و احساء؛ مهاجرت عالمان شیعی احساء و بحرین به ایران؛ تاریخ شیعه - بایسته های پژوهشی.

* استادیار بنیاد دائرة المعارف اسلامی.

کتابخانه نقیب النقباء ری

از نکات قابل بحث، مسئله مساهمت خاندان‌ها و اعیان محلی در حمایت از فعالیت‌های علمی، ادبی و فرهنگی است. دانسته است که در کنار حمایت حکام و امرآ از عالمان برای تألیف کتاب، دیگر گروه‌های متنفذ و متمول چنین فعالیت‌های داشته‌اند. از میان این گروه‌ها خاندان سادات حسینی ساکن در ری را باید نام برد که علاوه بر تمول مالی وسیع و روابط خویشاوندی که با دربار سلجوقی داشته‌اند، به فعالیت‌های علمی توجه داشته و برخی از بزرگان این خاندان از عالمان روزگار خود برای نگارش آثار حمایت کرده‌اند. از میان خاندان حسینی ساکن در ری، ابوالفضل محمد بن علی حسینی که نخست در قم ساکن بوده، اما به دلایلی از آنجا به ری مهاجرت و در همانجا مقیم شده بودند، را باید نام برد. فرزند وی عزالدین یحیی (مقتول ۵۹۲) نیز از چهره‌های بسیار نامور شیعه در روزگار خود بوده و منتجب‌الدین رازی کتاب الفهرست و اربعین خود را به نام او تألیف کرده است.^۱

از چهره‌های نامور خاندان وی می‌باید به ذوالفخرین ابوالحسن مطهر بن علی حسینی (متوفی روز عید اضحی ۴۹۲) اشاره کرد^۲ که سوای آنکه نقیب النقباء سادات در ری بوده، شخصیتی متمول بوده و کتابخانه‌ای مهم داشته و عالمان معاصرش کتابهایی به نام او تقدیم کرده و از حسن توجه او به خود بهره می‌برده‌اند. در این خصوص دانسته است عالم و ریاضیدان مشهور هم‌عصر او ابوالحسن علی بن احمد نسوی که به سال ۳۹۳ در ری دیده به جهان گشود و بخش مهمی از زندگی خود را در همانجا سپری کرد و در حدود ۴۹۳ در همان

۱ برای شرح حال عزالدین یحیی حسینی بنگرید به: علی بن زید مشهور به ابن فندق (متوفی ۵۶۵)، لباب الانساب و الألقاب و الأعقاب، تحقیق سید مهدی رجائی (قم: مکتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی، ۱۳۶۸ش/۱۴۱۰)، ج ۲، ص ۶۱۱-۶۱۴؛ محمد بن علی مشهور به ابن طقطقی، المختصر فی أخبار مشاهیر الطالبیة و الأئمة الاثنی عشر، حقه و ضبط نصه و شرحه السید علاء الموسوی (کربلاء: العتبة العباسیة المقدسة، ۲۰۱۵/۱۴۳۶)، ص ۴۳۱ که در پانویس شرح حال وی آمده است؛ افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۷۲-۳۷۴. ابن فندق (لباب الانساب، ج ۲، ص ۶۳۵) بخشی از اشعار نسابه ری، ابوهاشم مجتبی بن حمزه حسینی را که با وی در ۵۲۶ دیدار داشته، نقل کرده که وی در ستایش و مدح سید شرف‌الدین ابوالفضل محمد حسینی سروده بود.

۲ این تاریخ را نجم‌الدین ابورجاء قمی که با نواده او عزالدین یحیی حسینی معاصر بوده، در کتاب ذیل نفثة المصدور، تحقیق سید حسین مدرس طباطبائی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ش)، ص ۱۴۹ در ضمن شرح حالی که برای وی آورده، نقل کرده است.



شهر درگذشت، شماری از آثار خود را به نام او تألیف کرده است. از هفت کتاب و رساله موجود از نسوی، سه رساله به نام های کتاب الاشباع فی شرح الشكل القطاع؛^۱ اختصار کتاب صور الكواكب^۲ و التجريد فی اصول الهندسة خود را به نام ابوالحسن مطهر بن ابوالقاسم نقیب النقباء ری تألیف کرده است.^۳

عبدالغافر بن اسماعیل فارسی (متوفی ۵۲۹) شرح حال کوتاهی از او آورده و ضمن آنکه سلسله نسب او را به طور کامل نقل کرده، در اشاره به وی نوشته است:

«من جملة السادة المعروفين، المشهورين بالفضل والإفضال والثروة والنعمة والمروءة والحشمة التامة عند الخاصة والعامة».

سپس عبدالغافر بن اسماعیل فارسی متذکر شده که سید مطهر بن علی حسینی رازی از مشایخ ری، عراق سماع حدیث کرده و سفری به نیشابور داشته است و صحیح مسلم را نزد او خوانده و از بزرگان نیشابور چون ابوحفص ابن مسرور، شیخ الاسلام صابونی و کسان دیگری سماع حدیث نموده و به محل اقامت خودش یعنی ری بازگشته و در همانجا بود که درگذشت (وبقی فرید عصره إلى أن توفی).^۴ علی بن حسن مشهور به باخرزی در سال ۴۳۴ با وی در شهر ری دیداری داشته است. این مطلب که علی بن احمد نسوی چند اثر علمی خود را به نام وی

۱ نسوی از ابوالحسن مطهر بن علی در کتاب الاشباع خود چنین یاد کرده است: «...وجعلتها ... فی مجلس مولانا السید الاجل الامام المرتضی ذی الفخرین، نقیب نقباء الإسلام سیدنا ... الامام ابی الحسن المطهر بن السید الزکی ذی الحسینین ابی القاسم علی ادام الله دولته ...». بنگرید به: ابوالقاسم قربانی، نسوی نامه: پژوهشی در آثار ریاضی علی بن احمد نسوی (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰ش)، ص ۲۲.

۲ این کتاب به عنوان مرتضوی به علت نگارش جهت سید مطهر بن علی مشهور به مرتضی نیز شهرت داشته است. شهردان بن ابی الخیر رازی - شاگرد علی بن احمد نسوی - که در سال ۴۶۶ کتاب روضة المنجمین (تصحیح و تحقیق جلیل اخوان زنجانلی (تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲ش)، ص ۵۲۹) خود را تألیف کرده، درباره کتاب مرتضوی نوشته است: «خواجه ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر صوفی بزار کتابی کرده است بغایت نیکوی در صورت ستارگان شناختن و طول و عرض و جهت و جایگاه و قدر و عظم دانستن و استاذ مختص علی بن احمد نسوی - رحمه الله / ادام الله نعمته آن را اختصاری کردست از حد بیرون، از بهر سید اجل مرتضی رضوان الله علیه کی او یگانه روزگار بود و مرتضوی نام نهاده». درباره کتاب اختصار صور الكواكب بنگرید به: ابوالقاسم قربانی، نسوی نامه، ص ۳۰.

۳ درباره این سه اثر که به نام سید مطهر تألیف شده، بنگرید به: ابوالقاسم قربانی، نسوی نامه، ص ۲۲، ۲۸-۲۹، ۳۰.

۴ عبدالغافر بن اسماعیل فارسی، المنتخب من السیاق لتاریخ نیشابور، حقه و علق علیه محمد کاظم محمودی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱ش/۱۴۳۳)، ص ۷۴۵. همچنین برای شرح حال وی بنگرید به: ابن فندق، لباب الانساب، ج ۲، ص ۶۱۴؛ افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۱۳.

تألیف کرده، نکته قابل تأملی و مهمی است و می‌تواند ما را در شناخت مطلبی که ابن فندق (متوفی ۵۶۵) درباره کتابخانه نقیب النقباء ری آورده، کمک کند. ابن فندق به هنگام دیدار خود از ری - در ضمن شرح حال ابونصر فارابی - به کتابخانه نقیب النقباء ری بدون توضیح بیشتری اشاره کرده و گفته که شماری از آثار ابونصر فارابی (متوفی ۳۳۹) را به خط خودش و شاگردش یحیی بن عدی نحوی (متوفی ۳۶۴) در کتابخانه وی دیده که در جایی دیگر ندیده و چیزی درباره آنها نمی‌دانسته است.^۱

هویت نقیب النقباء مورد اشاره بیهقی به دلیل عدم اشاره بیشتر توسط او، کار را برای محققان سخت کرده است و اینکه کتابخانه ای که بیهقی از آن سخن گفته، در اصل به که تعلق داشته است. نگارش آثار نسوی که به مخدوم خود سید مطهر بن علی حسینی تقدیم کرده، کلید حل این معما است. در حالی که بیشتر محققان مراد از کتابخانه نقیب النقباء ری را به فرزند یا احفاد او مرتبط دانسته است، اما توجه به اینکه نسوی آثاری را به سید مطهر بن علی حسینی تقدیم کرده، گرایش های فکری وی را نشان می‌دهد و کسی که باید به آثار فارابی علاقه مند بوده باشد، اوست نه فرزند یا نوادگان او که به داشتن چنین گرایش های شناخته شده نبوده اند.

احمد سلیم سعیدان سید کتاب التجرید فی اصول الهندسة را در ضمن کتاب خود با عنوان هندسة اقلیدس فی اید عربیة (عمان: دار البشیر، ۱۹۹۱) منتشر کرده است. به گمان سعیدان، سید مرتضی مورد اشاره نسوی کسی جز عالم نامور شیعی سید مرتضی علم الهدی (متوفی ۴۳۶) نیست و بر همین اساس مکان نگارش کتاب التجرید را بغداد ذکر کرده است و متوجه این مطلب نشده که تعبیر «المرتضی» در ضمن عبارت نسوی «دولة السيد الأجل الإمام المرتضی، ذو الفخرین أبی الحسن، المطهر بن سید الزکی ذی الحسین، أبی القاسم، أدام الله دولته» لقب است برای فردی که در ادامه از وی سخن رفته است. مصطفی موالدی به خطای سعیدان اشاره کرده و به درستی سید مرتضی ابوالحسن مطهر بن علی حسینی را

۱ علی بن زید بیهقی، تامة صوان الحکمة، تحقیق و ضبط و تعلیق رفیق عجم (بیروت: دار الفکر اللبناني، ۱۹۹۴)، ص ۴۲ (وقد رأیت فی خزانة کتب نقیب النقباء بالری من تصانیفه ما لم یقرع سمعی اسمه، وأكثر ما رأیته کان بخطه وخط تلمیذه أبی زکریا یحیی بن عدی). دیدار بیهقی از ری در سال ۵۲۶ رخ داده است (بنگرید به: لباب الانساب، ج ۲، ص ۶۳۵).

شخصی دانسته است که نقیب النقباء ری بوده است و شرح حالش را منتجب الدین رازی آورده است.^۱ گرایش های مطهر بن علی حسینی به علوم مختلف، نکته ای است که منتجب الدین رازی به آن با تعبیر «وكان عَلماً في فنون العلم» به آن اشاره کرده است. همین گونه دانشمند گرامی و استاد ارجمند سید محمد حسین منظور الاجداد، که به ارتباط علمی میان سید ابوالحسن مطهر بن علی حسینی و احمد بن علی نسوی توجه کرده بود، نیز متذکر شده است که نقیب النقباء مورد اشاره ابن فندق، همین سید ابوالحسن مطهر بن علی است که اعقاب و فرزندان در ری عهده دار نقابت بوده اند. تألیف آثار مختلف در دانش ریاضیات توسط نسوی به جهت او، نشان از تمایلات و علائق وی به علوم حکمت دارد و مراد بیهقی از کتابخانه نقیب النقباء ری، کتابخانه ای است که وی بنا نهاده و بعدها تولید آن در دست فرزندان او بوده است.^۲

عبدالجلیل قزوینی که میان سالهای ۵۵۶ تا ۵۶۶ به نگارش کتاب بعضی مطالب النواصب خود مشغول بوده، در اشاره به خاندان های سادات مشهور عراق عجم، از سید ابوالفضل محمد بن علی حسینی و اجدادش نام برده و در اشاره به او و نیایش ابوالحسن علی بن مطهر بن علی حسینی چنین نوشته است:

«آنکه خاندان سید زکی به ری و قم و به کاشان و حرمت جاه و رفعت او در مال و نعمت و فضل و نسب، و پسرش سید أجل المرتضی ذوالفخرین ابوالحسن علی بن المطهر بن علی

۱ بنگرید به: علی بن احمد نسوی، کتاب التجرید فی اصول الهندسة، تحقیق مصطفی موالدی (لندن: مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی، ۲۰۱۶۹/۱۴۳۸، ص ۲۴-۲۵. در مقدمه کتاب التجرید (ص ۹۴)، نسوی از سید مطهر چنین یاد کرده است: «..صنفتها سبع مقالات موجزة، وأرجو أن يكون محموداً كفاً بدولة السيد الأجل الإمام المرتضى، ذي الفخرين، أبي الحسن المطهر بن سيد الزكي ذي الحسين أبي القاسم أدام الله دولته وكتب حسدته فيما قصدنا له من الخدمة، إذ كان ذلك إنما تم بحسن نظره وإيجازه لأهل العلم والإشارة بذكرهم وبذل المال وخزانة العلم لهم...».

2 Sayyed Mohammad Hossein Manzoor al-Adjdad, "The Naqib of Ray Alids and His Support of Scientists," Iranian Studies, volume 41, number 4, September 2008, p.533.

منظور الاجداد در بحث خود درباره «نقیبان امامی مذهب در عهد سلجوقی»، چاپ شده در یادنامه مرحوم علی مزینانی (سالها باید که تا... یادنامه چهلمین روز درگذشت شادروان دکتر علی مزینانی، به کوشش پوری سلطانی و محمد کریمی زنجانی اصل (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳ش)، ص ۲۶۵-۳۱۲، در صفحات ۲۷۰-۲۸۶ از سید مطهر و اعقابش بحث کرده اما اشاره ای به حمایت سید مطهر از نگارش آثار توسط علی بن احمد نسوی نکرده است.

- رضی الله عنه - که بیرون از آن که سلاطین آل سلجوق و خواجه نظام الملک به وصلت با وی تقرب و تبرک نمودند، چهار صد من خوصه مفرد در ترکه او آمد. و فضل و علم او از کتب و خطب او معلوم شود، و هنوز شرف و فضل نقابت در خاندان او در عراق باقی است به اقبال و تأیید ملک الأمراء السادات، عالم مرتضی کبیر، شرف الدین محمد بن علی که در علم و زهد وارث شمع مکه و یثرب است و در جاه و وقار سید سادات مشرق و مغرب است ... و قوامی رازی تخلص از قصیده توحید و مناقب بدو نیکو کرد که گفت:

تا صاحب الزمان برسیدن به کار دین اولی ترین کس شرف الدین مرتضاست^۱.

ابوالحسن زنگی جشمی و نکته ای درباره او

در کتابخانه آستان قدس رضوی مجلداتی از یک دوره هفت سبعی قرآن موجود است که یکی از امیران بیهق به نام ابوالحسن زنگی بن محمد بن علی جشمی در رمضان ۵۶۱ وقف بر حرم امام رضا^{*} کرده و معرفی دقیق و خوبی از این مجموعه مصحف کتابت شده در هفت سبوع، توسط دوست گرامی آقای مرتضی کریمی نیا به تازگی منتشر شده است. عبدالجلیل قزوینی در کتاب بعضی مثالب النواصب (ص ۲۳۲)، از امیر سپاه سالار ضیاء الدین زنگی جشمی به عنوان یکی از امیران مشهور به تشیع روزگار خود سخن گفته است. مصاحف کهنی در کتابخانه آستان قدس موجود است که در طول تاریخ، اعیان، امراء و بزرگان جهت مرقد و مضجع آن امام همام بر آن آستانه وقف کرده اند. بررسی نسخه های مذکور سوای اهمیت برای تاریخ کتابت و تهذیب مصحف در خراسان بزرگ، مشتمل بر اطلاعات تاریخی درباره اعیان و اشراف خراسان نیز هست.

به عنوان مثال دوره ای مشتمل بر سی جزء از قرآن کریم توسط ابوالقاسم منصور بن محمد بن کثیر از بزرگان و دولتمردان غزنوی در سال ۳۹۳ بر مزار امام رضا^{*} وقف شده است. در جزء سیزدهم از این مجموعه که تصویری از آن در اختیارم هست، ابوالقاسم منصور بن محمد بن کثیر یادداشتی در باب وقف نسخه نوشته که احتمالا باید در اجزاء دیگر نیز نوشته

۱ عبدالجلیل رازی قزوینی، بعضی مثالب النواصب، ص ۲۴۰-۲۴۱. تمام اشعاری که بیت مذکور از آن نقل شده در دیوان قوامی رازی آمده است.

شده باشد (الجزء الثالث عشر؛ سبله ابوالقاسم منصور بن محمد بن كثير على المشهد بطوس في شهر ربيع الاول سنة ثلاث وتسعين وثلاثمائة ابتغا لوجه الله وطلباً لمرضاته لا يباع ولا يوهب ولا يُورث غفر الله له ولوالديه).^۱ در آغاز هر سُبُع، عبارت تقریباً یکسانی در خصوص وقف نسخه نوشته که متن آن چنین است:

«وقف وتصدَّق بهذا الجزء وتمام الاجزاء السبعة مع غلافها العبد المذنب الراجي رحمة الله عز وجل ابوالحسن زنگي بن محمد بن علي الجشمي وقفاً مؤبداً [وصدقة جارية] ابتغاء مرضات الله وامر بوضع الجملة في القبة المقدسة الإمامية الرضوية على ساكنها التحيات والصلوات وشرط أن لا يباع ولا يُملك ولا يخرج [ولا يوهب ولا يورث] منها تقبل الله منه وأثابه الجنة بفضلته [برحمته] ورحمته بتاريخ رمضان سنة إحدى وستين وخمس مائة».^۲

از هفت سُبُع - شیوه ای متداول در میان کاتبان مصحف در خراسان که قرآن را در هفت بخش کتابت می کرده اند - سُبُع های دوم، سوم، پنجم و ششم اکنون به شماره های ۱۲۳۵۴؛ ۳۵۷۲؛ ۷۶ و ۳۵۷۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. از سُبُع اول و سُبُع هفتم که باید نام کاتب این نسخه در آن آمده باشد، اطلاعی نداریم. سُبُع چهارم این نسخه نیز در کتابخانه چستریتی موجود است و در آخر آن یادداشتی از آمده است.^۳ یادداشت اخیر را فردی به نام ابونعیم بن حمزه بیهقی در محرم ۵۹۲ به هنگام مجاورت در مشهد رضوی بر سُبُع اخیر نوشته است. او در یادداشت خود چنین نوشته است:

«الدعاء الذي كان أمير المؤمنين × يدعو بعد قراءة القرآن: اللَّهُمَّ اشرح بالقرآن صدري واستعمل بالقرآن بدني ونور بالقرآن بصري واطلق بالقرآن لساني وأعني عليه ما أبقيتني فإنه لا حول ولا قوة إلا بك.»

۱ بنگرید به: احمد گلچین معانی، راهنمای گنجینه قرآن (بی جا: اداره کتابخانه آستان قدس، ۱۳۴۷ش)، ص ۳۱-۳۵.

۲ تصاویر متن یادداشت های واقف در آغاز سُبُع های موجود در کتابخانه آستان قدس تفاوت های اندکی با یکدیگر دارند. برای تصاویر آنها بنگرید به: مرتضی کریمی نیا، «نسخه شناسی مصاحف قرآنی (۷)»، آینه پژوهش، سال سی و یکم، شماره مسلسل ۱۸۱ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹ش)، ص ۱۸۳.

۳ برای اهمیت مصحف وقف شده ابوالحسن زنگی بن محمد بن علی جشمی و اجزاء آن بنگرید به: مرتضی کریمی نیا، «نسخه شناسی مصاحف قرآنی (۷)»، آینه پژوهش، سال سی و یکم، شماره مسلسل ۱۸۱ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹ش)، ص ۱۷۵-۱۹۷.



وکتبه أبونعیم بن حمزة البیهقی جار الإمام أبي الحسن الرضا صلوات الله عليه في المحرم من سنة اثنتين وتسعين وخمس مائة غفر الله له ولوالديه وللمؤمنين والمؤمنات».

تعبیری که بیهقی در یادداشت خود به کار برده، دلالت بر تشیع او دارد، مطلبی که به واسطه نسخه شماره ۲۱۸ مجموعه سید محمد صادق طباطبائی در کتابخانه مجلس مورد تأیید است. بخشی از نسخه اخیر را خود بیهقی کتابت کرده و زمانی که به حج رفته، در آنجا یکی از عالمان امامی به نام ابوالحسن علی بن محمد بیاضی مجموعه را نزدش خوانده و اجازه روایت آن را اخذ کرده که بیهقی متن آن اجازه را در نسخه خود نیز یادداشت کرده و نوشته است:

«سمع مني هذه الاحاديث الشيخ الفقيه المقرئ ... جمال القرآء والصالحين، زين الحاج والمجاورين ابوالحسن علي بن محمد البياضي ايداه الله وبحث عن معانيها وعلمها ... واجزت له ان يرويها عني على الشرائط المعتبرة وكتبه ابونعيم احمد بن حمزة بن احمد النعيمي البيهقي خطيب ...».

فرد اخير يعنى ابوالحسن على بن محمد بياضى برخلاف آنچه که در نگاه نخست ممکن است به ذهن چنين تصويرى را منتقل کند که اهل روستای بیاضه جبل عامل باشد، شهرت بیاضی او ارتباطی با آن روستا ندارد و به یکی از وجوهی که سمعانی در ذیل عنوان «البياضی» ذکر کرده، باز می گردد. وی در ری اقامت داشته و در برگ آخر نسخه که منتخباتی از امالی شیخ صدوق را در سال ۵۸۰ کتابت کرده، باز اجازه ای مجدد از بیهقی اخذ کرده است. ابوالحسن علی بیاضی با القاب بلندی از استادش ابونعیم بیهقی یاد کرده و در اشاره به وی نوشته است: «هذا ما اخرج الشيخ الامام الاجل العالم، يمين الدين جمال الاسلام، فخر الائمة، فريد العصر ابي نعيم احمد بن حمزة النعيمي البيهقي (ادام الله) عزه ويقاه من امالي الشيخ الفقيه السعيد ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي رضی الله عنه ... کتبه في سنة ثمانين وخمس مائة من الهجرة».

در زیر عبارت اخير متن اجازه ای از ابونعیم احمد بن حمزه بیهقی به ابوالحسن علی بن محمد بیاضی آمده که بخش مهمی از آن از میان رفته و محو شده است. بخشی که باقی مانده البته بسیار محو است، اما به سختی قابل خواندن است^۱ و مهم آن است که در معرفی

۱ «قرأ على هذه الاحاديث التي خرجها من امالي الشيخ الفقيه ابي جعفر رضي الله عنه من المجلد الاول الشيخ

ابوالحسن علی بیاضی، تعبیر «الرازی» آمده که نشان از این دارد که وی در شهر ری اقامت داشته است، کما اینکه از اقامت عالم دیگری از اهالی روستای بیاضه در ری در همین تاریخ خبر داریم؛ زین الدین ضیاء الاسلام ابوالحسن علی بن عبدالجلیل بیاضی رازی زنده در ۵۴۴ که علامه حلی در اجازة کبیره خود به بنوزهره روایت نماز لیلۃ الرغائب را به نقل از وی آورده است.^۱ یادداشت بیهقی در انتهای سُبُع چهارم از مجموعه هفت سُبُعی وقف شده ابوالحسن زندگی بن محمد جشمی نشان از سفر و اقامت وی در مشهد به سال ۵۹۲ دارد.^۲

سید ابوالفضل محمد بن علی حسینی

مجموعه ۲۱۸ سید محمد صادق طباطبائی مشتمل بر اطلاعات مفیدی از زندگی ابونعیم بیهقی است، از جمله اشاره به حضور وی در حلب به سال ۵۸۰ و آنکه در شعبان ۵۶۴ در استرآباد از «السید الأجل الامام المرتضی علی الهدی شرف الدین عز الاسلام و المسلمین، سید السادة ملك النقباء ابوالفضل محمد بن علی بن محمد بن المطهر أبی الحسن المرتضی الحسینی القمی رضی الله عنه و ارضاه» سماع حدیث کرده است. سید اخیر که نقیب النقباء سادات در ری بوده، به نوشته عبدالکریم رافعی در سال ۵۶۶ در شهر ساوه درگذشته است.^۳ عبدالجلیل رازی از سید اخیر در کتابش به گونه ای یاد کرده که نشان از حیات وی در



المقري ... علي بن محمد بن ابراهيم البياضي الرازي ادام الله توفيقه ...». بیهقی به نقل از روایات اهل سنت که در آنها شواهدی بر تأیید عقاید امامیه بوده، توجه داشته و در یادداشتی در گوشه برگی که چند روایت از اهل سنت آورده به این مطلب اشاره کرده و نوشته است: «وانما رویت هذه الاحادیث من هذه الطرق لیکون لنا حجة علی من خالفناه ...». توجه به احادیث اهل سنت، رسم کهن متداول میان امامیه و از باب الزام الخصم بما الزم نفسه بوده است.

۱ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۳-۱۲۶. روایت نقل شده از طریق اهل سنت است.
۲ اطلاعات تاریخی اندکی درباره روستای جُشم (به فارسی جُشم) از توابع بیهقی در دست است اما به نظر می رسد که زیدیه در این روستا حضور پررنگی داشته اند. در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۲۴۰۹ نسخه ای از کتاب نسخه کهنی از کتاب الموضح عن جهة اعجاز القرآن سید مرتضی (متوفی ۴۳۶) موجود است که فردی به نام محمد بن حسین بن حمیر جشمی از کتابت آن در میانه محرم ۴۷۸ فراغت حاصل کرده است (...تم الكتاب، کتبه محمد بن الحسين بن حمير الجشمي حامداً لله تعالى علی نعمه، ومصلياً علی النبي محمد وعترته ومستغفراً من ذنوبه وفرغ منه يوم الأربعاء منتصف المحرم سنة ثمان وسبعين وأربع مائة). ابوسعید محسن بن کرامه مشهور به حاکم جشمی (متوفی ۴۹۴) در همین روستا اقامت داشته و در مسجد جامع آنجا امالی مشهور خود یعنی جلاء الابصار را املاء کرده است.

۳ عبدالکریم بن محمد رافعی، التذوین فی اخبار قزوین، ضبط نصح و حقق متنه عزیز الله العطاردي (بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۹۸۷/۱۴۰۸)، ج ۱، ص ۴۷۰.

زمان نگارش کتاب دارد و بر این اساس می توان گفت که عبدالجلیل رازی کتاب بعض مثالب النواصب خود را زمانی میان ۵۵۶ و ۵۶۶ تألیف کرده است.

همو بعد از خواندن کتاب بعض فضائح الروافض گفته بود بهترین فرد برای نوشتن پاسخی به کتاب وی، عبدالجلیل قزوینی است. عبدالجلیل قزوینی در اشاره به این مطلب نوشته است: «و پیش از وصول این کتاب به ما، مگر زمره ای از خواص علماء شیعه که این کتاب را مطالعه کرده بودند، در حضرت مقدس مرتضای کبیر، سید شرف الدین ملک الثقباء، سلطان العترۃ الطاهرة، ابوالفضل محمد بن علی المرتضی - ضاعف الله جلاله - و بر لفظ گهربار سید السادات برفته بود که: عبدالجلیل قزوینی می باید که در جواب این کتاب بر وجه حق شروعی کند؛ چنانکه کسی انکار آن نتواند کرد».

عالمی امامی از محله خَنَاقِ قَطِيف

در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه ای از کتاب خلاصۃ الاقوال علامه حلی به شماره ۶۷۰۴ موجود است که مشتمل بر اطلاعات مهمی از عالمی قطیفی ساکن در محله خَنَاقِ شهر قطیف در نیمه دوم قرن نهم هجری است.^۱ به طور طبیعی هیچ نام و نشانی از این عالم در کتابهای تراجم نگاری شیعه نیامده است. از حیث کتابت نسخه همانند بسیاری از نسخه های کتابت شده در بحرین قدیم، با خطی زیبا استنساخ شده است. در پایان بخش اول کتاب کاتب در انجامه چنین نوشته است:

«..تمت بحمد الله وحسن توفيقه عصر الاثنین سابع وعشرين من شهر شوال سنة خمس وتسعين / ثمانین (کاتب نخست در متن ثمانین نوشته است اما ظاهراً متوجه خطای خود شده و بدون آنکه کلمه ثمانین را خط بزند بالای آن سبعین نوشته است) و ثمانمائه علی ید اقل خلق الله تعالی واحوجهم الی رحمته ورضوانه عبدالله بن محمد بن مبارک بن محمد بن ابی صریف رحمهم الله اجمعین وصلعم».

۱ درباره محله خَنَاقِ شهر قطیف بنگرید به: عبدالخالق جنبی، تاریخ التشیع لأهل البيت فی أقلم البحرین القديم، ص ۹۰.

کاتب در کنار انجامه اخیر به مقابله نسخه نیز اشاره کرده است (قبول هذا الجزء من خلاصة الاقوال بحسب الطاقة البشرية وصلعم). در انجامه جزء دوم کتاب و انهاءاتی که در کنار آن نوشته شده، به مکان انجام مقابله تصریح شده است: قطیف. کاتب در انجامه جزء دوم، چنین نوشته است:

«... وافق الخلاص من إتمام هذه الخلاصة المباركة على يد العبد الفقير إلى الله الغني عبد الله بن محمد بن مبارك بن أبي صريف رحمهم الله أجمعين في يوم الجمعة سنة سبع وتسعين وثمانمائة هجرية على صاحبها أفضل الصلاة والسلام وتم الكتاب».

کاتب در انهاءاتی که کنار انجام آمده به محله ای که کار مقابله در قطیف در آن انجام شده، نیز اشاره کرده است؛ محله خَنَاق که اشاره ای جالب توجه است. نکته مهمتر سخن کاتب از مشهدی در محله خَنَاق است که تا به امروز در محله خَنَاق قطیف شهرت دارد هر چند در خصوص آنکه دقیقا به چه کسی تعلق دارد، اطلاع روشنی در دست نیست. سه یادداشت مقابله و تصحیح در کنار انجامه آمده است. یادداشت نخست که در سمت راست انجامه نوشته شده است؛ چنین است:

«بلغت مقابلي بحسب الجهد والطاقة في مجالس متعددة آخرها عشية يوم الثلاثاء حادي عشر شهر رمضان سنة أربع وتسعمائة في المقام المبارك مشهد القطيف ومنها مجاورة الخناق».

در زیر عبارت انجامه نیز یادداشتی آمده که چنین است:

«بلغت مقابلة بحسب الجهد والطاقة في مجالس متعددة آخرها عشية يوم الاثنين شهر رجب من سنة ست وتسعون وتسعمائة في المقام الشريف مسجد الرحول في القطيف».

آخرین یادداشت مقابله نسخه در سمت چپ انجامه چنین است:

«بلغت مقابله بحسب الجهد والطاقة في مجالس متعددة آخرها عشية يوم الثلاثاء حادي عشر شهر رمضان سنة أربع وتسعمائة في المقام المبارك مشهد القطيف ومنها مجاورة الخناق تمت الكتاب بعون الله وحسن توفيقه».

اطلاعاتی که کاتب این نسخه درباره خود و برخی مناطق قطیف آورده، ارزشمند است. محله خَنَاق تا به امروز یکی از محلات قطیف است و به همین نام نیز شناخته می شود. کاتب



بخش اول نسخه را در شوال ۸۹۵ به پایان رسانده و در انجامه جزء دوم زمان فراغت را ۸۹۷ ذکر کرده است. این گونه فاصله های زمانی در کتابت نسخه های خطی دلایل متعددی دارد؛ شاید کاتب نسخه ناقص بدستش رسیده، یا آنکه در ابتدا تنها به بخشی از نسخه که کتابت کرده، نیاز داشته و مسائلی از این دست. در هر حال کاتب بارها تمام نسخه را مقابله کرده و از مکان مقابله نسخه نیز سخن گفته است. درباره وی اطلاعی در دست نیست؛ استاد ارجمند عبدالخالق جنبی متذکر شده که احتمالاً محمد بن عبدالله آل صریف که در قانون نامه قطیف نامش آمده، شاید فرزند کاتب نسخه حاضر باشد. از مکان هایی که کاتب نام برده، محله خنّاق و مشهد مبارک تا به امروز باقی مانده، اما اثری از مسجد رحول نیست. مشهد مورد اشاره نیز محتمل است که متعلق به یکی از اجداد سادات آل عوامی باشد که مشهد مورد بحث تا کنون بخشی از موقوفات متعلق به آنهاست. مسجد الرحول گرچه به این نام باقی نمانده اما محتمل است که یکی از مساجد باشد که اکنون در محله خنّاق موجود هستند هر چند اکنون به نام های دیگری شهرت دارند.^۱ اطلاعاتی از این دست در نسخه های خطی فراوان است و تدوین و گردآوری آنها بسیار مهم و ارزشمند است و چشم انداز تازه ای از تشیع در منطقه بحرین قدیم را در اختیار ما قرار می دهد.

اهمیت توجه به حواشی و مطالب نوشته شده توسط مالکان احسانی نسخه ها

نمونه های از این دست فراوان است. نکته دیگری که در حقیقت ناشی از سنت های متفاوت در فهرست نویسی نسخه های خطی می باشد، مطالب متفرقه ای و گاه حواشی نوشته شده بر نسخه های خطی است که در نگاه اول به نظر شاید چندان اهمیتی نداشته باشند، خاصه اگر به خطی نه چندان خوانا نوشته شده باشند و عموماً در فهرست نویسی این موارد از نگاه فهرست نویسی بدور می ماند. اما در مواردی مطالب مذکور نکاتی مهم است و قابل توجه می باشند.

به عنوان مثال در کتابخانه مجلس مجموعه ای به شماره ۷۱۰۴ موجود است که مشتمل بر چند رساله می باشد که یک تن آنها را کتابت کرده است؛ فردی به نام سید عبدالله بن حاجی

۱ توضیحات آمده درباره اهمیت نسخه ۶۷۰۴ کتابخانه آیت الله مرعشی برگرفته از مطالبی است که استاد ارجمند عبدالخالق جنبی نوشته اند.

بن هاشم حسینی احسانی که جز آنکه همین مجموعه را کتابت کرده، در خصوص او اطلاع نداریم و بر اساس مکان کتابت نسخه می توان گفت که وی از عالمان احسانی است که برای تحصیل علم به ایران سفر کرده و مدتی در کرمان سکونت داشته است و ظاهراً بعدها به احساء بازگشته است؛ اکنون در میان خاندان های سادات ساکن در احساء خاصه در روستای تویشر خاندانی مشهور به سادات حاجی هستند، اما به دلیل نبود اطلاعات تاریخی نمی دانیم سید عبدالله بن حاجی حسینی احسانی چه ارتباطی با خاندان سادات حاجی تویشر دارد، جز آنکه شاید احتمالاً تنها به دلیل نام حاجی پدرش، وی ارتباطی با خاندان سادات حاجی داشته باشد که نیازمند اطلاعات بیشتر است.

رسالة اول مجموعه بسیار کوتاه و بحثی دربارهٔ تعارض الییدین است و بدون اشاره به تاریخ و مکان کتابت نسخه تنها از خود به عنوان کاتب آن نام برده است (..حرره الفقیر الحقییر اذل الأذلین و اقل الاقلین عبدالله بن حاجی عفی عنهما). رسالهٔ دوم که اثری در فضائل امیر المؤمنین علی[×] می باشد، در چند برگ است و در انجامهٔ رسالهٔ اخیر از خود نام برده و تاریخ فراغت از کتابت نسخه را نیز دوم شوال ۱۱۰۸ ذکر کرده و چنین نوشته است:

«..بقلم مالکه و کاتبه الفقیر المقر بالذنب و التقصیر تراب اقدام المؤمنین و هو اذل الأذلین و اقل الأقلین عبدالله بن حاجی بن هاشم الحسینی الأحسائی عصر الیوم الثانی من شهر فطر الثانی من شهر السنة الثامنة و المائة و الف و صلی الله علی محمد و آله و سلم».

چند برگی میان رسالهٔ اخیر و رسالهٔ بعدی مجموعه که بداية الهدایة شیخ حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴) خالی بوده است. بر اساس تفاوت دست خط های آمده در این چند برگ، می توان گفت که به بخشی از مطالب را خود عبدالله بن حاجی نوشته و برخی مطالب را کسی که بعدها نسخه به تملک او درآمده و از خود به عبدالله بن شیخ علی بن عیثان الأحسانی البحرانی یاد کرده، نوشته است. در انجامهٔ بداية الهدایة، عبدالله بن حاجی بن هاشم حسینی احسانی مکان فراغت از کتابت را نیز ذکر کرده است: مدرسهٔ محمود در شهر کرمان؛ جز آنکه در نسخهٔ حاضر نام وی در انجامه محو شده و به سختی قابل خواندن است و تنها با مشابهت خط می توان وی را کاتب این بخش نسخه دانست. عبدالله بن حاجی در خصوص نسخهٔ اساس کتابت خود نیز در انجامه توضیحی داده و چنین نوشته است:





«تمت الرسالة الموسومة ببداية الهداية بتاريخ مؤلفها سنة ۱۰۹۱، وكان الفراغ من كتابة هذه الرسالة الفقير الحقير المقر بالخطأ والتقصير، غريق بحر الذنوب الراجي عفو ربه، وقد كتبتها من نسخة الذي كتبت من نسخة المصنف غفر الله له ولنا ولوالدينا وللمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأموات إنه كريمٌ منان، ضحى يوم الاثنين الحادي والعشرون من شهر شوال من شهور سنة الثامنة ومائة وألف وقد كتبتها في كرمان في مدرسة محمودا، أجوا من الله الكريم أن يمتعني بها طويلاً ويرزقني حفظ مسائلها والاطلاع على أدلتها وقد كتبتها لأني رايتها قليلة الحجم كثيرة الإفادة، والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين، وسلم كثيراً، رحم الله عبداً نظر فيها وترحم على كاتبها لانه غريق غريق لا يرجوا إلا رحمة الشفيق الشفيق نسأله ان يسقينا من الرحيق يوم لا ينفع مال ولا بنون إلا من أتى الله بقلب سليم، آمين رب العالمين:

ستبقى خطوطي بعد موتي برهة ولكنها تبقى وتبقى أنا ملي
 فيا ناظراً فيها سل الله رحمة لكتابتها المدفون تحت الجنادلي»

کاتب نسخه اخير از جمله عالمان احسائي است که به ايران مهاجرت کرده و در کرمان سکونت داشته است و نسخه را جهت استفاده خود کتابت کرده (کاتبه مالکه) و یادداشتی نیز دال بر مقابله نسخه نیز در انجامه نسخه نوشته است. متأسفانه درباره وی به جز آنکه نسخه ای از کتاب قرب الاسناد را نیز کتابت کرده، اطلاع دیگری نداریم.^۱ قرن یازدهم و دوازدهم دوران طلایی برای مهاجرت عالمان احسائي به ایران عصر صفویه است که شواهد متعددی در خصوص آن در دست است. نسخه اخير بعدها در اختيار عالمی ديگر بوده که در یادداشتی در گوشه ۸ب، از خواندن متن بداية الهداية نزد یکی از عالمان اُولی چنین سخن گفته است:

۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۷۴۵ نسخه ای از کتاب قرب الاسناد موجود است که عبدالله بن حاجی بن هاشم حسینی از کتابت آن در روز جمعه نوزدهم شعبان ۱۰۹۲ فراغت حاصل کرده است. وی گفته که نسخه خود را از روی نسخه ای که شیخ حر عاملی در ۱۰۶۴ کتابت کرده، استنساخ کرده است. نسخه شیخ حر در اساس به نسخه ای باز می گردد که شخصی به نام احمد بن محمد بن یحیی بن عاقل اُولی در ۱۳ ربیع الاول ۹۷۷ کتابت کرده، باز می گردد که وی نسخه خود را از روی نسخه ای کهن کتابت کرده است. بنگرید به: آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشيعة: الكواكب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة، ص ۴۴۷-۴۴۸.



«شرعت في قراءة هذه المقدمة على يد الشيخ الجليل، الشيخ محمد بن الشيخ علي بن الشيخ عبدالنبي البحراني المقابي في غرة ربيع المولود سنة ۱۱۵۲ وأنا الأقل علي بن الشيخ ابراهيم»^۱.
 علی بن ابراهیم که نامش در اینجا به عنوان فردی که نسخه را در اختیار داشته و آن را در جزیره اُوال نزد شیخ علی بن عبدالنبی بحرانی مقابی خوانده، کسی نیست جز شیخ علی بن ابراهیم بن محمد بن حسین بن عیسی بن ابراهیم بن عبدالله آل عیثان قاری احسانی که یکی از افراد خاندان مشهور آل عیثان است. وی در اوایل قرن دوازدهم در قاره از روستاهای مشهور احساء دیده به جهان گشود. درباره وی مطالب بسیار اندکی وجود دارد و بر اساس اطلاعی که در یکی از اسناد محلی احساء آمده، دانسته که در تاریخ سوم جمادی الثانی ۱۱۴۲ در احساء بوده است، کما اینکه در سند دیگری به تاریخ هفتم ذی الحجة ۱۱۵۱ نیز که در احساء نوشته شده، نام وی آمده است. دو تاریخ اخیر دلالت بر این دارد که وی در احساء اقامت داشته است و گفته خودش که کتاب بدایة الهدایة را در ۱۱۵۲ نزد عالم ساکن در جزیره اُوال خوانده، دلالت بر این دارد که اندکی پیش از تاریخ ربیع الاول ۱۱۵۲ و بعد از ذی الحجة ۱۱۵۱ برای تحصیل و تلمذ به جزیره اُوال مهاجرت کرده و بعد از تکمیل تحصیلات خود به زادگاهش بازگشته است.

اطلاع مهمی که درباره شهرت و مقام علمی شیخ علی بن ابراهیم آل عیثان در روزگار خودش در دست می باشد، گفته های شرف الدین محمد مکی است که در سال ۱۱۶۰ از احساء دیدار داشته است. وی در اشاره به عالمان برجسته امامی که در راه سفر خود به جزیره اُوال دیده، از جمله عالمان نامور منطقه احساء در عباراتی کوتاه سخن گفته و چنین نوشته است:

۱ برای شرح حال شیخ محمد بن علی بن عبدالنبی مقابی (زنده در ۱۱۶۵) و آثارش بنگرید به: علی بلادی، انوار البدرین، ج ۱، ص ۴۳۰-۴۳۱؛ آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷-۴۸ که از کتاب مشرق الانوار الملکوتیة فی بیان عقائد الذریة المصطفویة او که در بامداد جمادی الاولی ۱۱۶۹ تألیف کرده، سخن گفته است. نسخه مورد اشاره مرحوم آقابزرگ به شماره ۶۹۵/۱ مجموعه مرحوم مشکوة در دانشگاه تهران است و کاتب آن فردی به نام راشد بن عبدالله بن حسن بارباری است که در شانزدهم جمادی الثانی ۱۱۶۹ اندکی بعد از نگارش کتاب، نسخه حاضر را کتابت کرده که احتمالاً شاگرد محمد بن علی مقابی باشد. در معرفی نسخه، شهرت بارباری به خطا بازیاری خوانده شده است. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۳، بخش یکم، ص ۶۱۶.



«ومن جملة بلاد البحرين الأحساء لكنّها خارجة عن الجزيرة، لأن البحرين يُطلق على الأحساء والقطيف، وأوال وكل ناحية خُصت باسم منفرد. والأحساء هي بلاد هجر وهي البلد العظيمة والمدينة. وقد وردنا في سنة ۱۱۶۰هـ، وفيها علماء أجلاء، وتقدم منهم فضلاء نبلاء. فمنهم الشيخ الفاضل الكامل الشيخ ناصر، قد سكن في الجبيل، عالم فاضل، كامل فقيه حاذق، قد انتفع به أهل الأحساء في المسائل، وله ولد الشيخ محمد فقيه، صالح عارف. ومنهم الشيخ علي بن عيثن، فقيه، عارف قد سكن القارة. ومنهم السيد الجليل السيد أحمد الجبيلي، قد سكن الجبيل، وهذا السيد صالح، ثقة، كريم النفس. ومنهم الشيخ الجليل الشيخ علي بن حرز، وأصله من أوال، فقيه، ثقة...»^۱

اشاره شرف الدين مکی به شیخ علی بن عیثن که از وی با عنوان عارف و فقیه ساکن در روستای قاره یاد کرده، نشان از جایگاه اجتماعی وی دارد. متأسفانه مطلب چندان بیشتری در خصوص او دانسته نیست و حتی درباره اینکه شاگردان وی چه کسانی بوده اند، جز دو فرزندش؛ شیخ محمد بن علی آل عیثن احسانی (متوفی ۱۲۱۸) مهاجر به شیراز و شیخ عبدالله بن علی آل عیثن احسانی که او نیز به شیراز مهاجرت کرده، دانسته نیست.^۲ عبدالله بن شیخ علی بن عیثن احسانی از تملک خود بر نسخه سخن گفته است (مال عبدالله بن شیخ علی بن عیثن الاحسانی البحرانی). نکته مهم این است که وی در برگ های خالی نسخه خاصه میان رساله فضائل امیر المؤمنین و بداية الهدایة اشعار مختلفی را کتابت کرده که به نظر می رسد این اشعار از سروده های خودش باشد و احتمالاً آنها را زمانی که به شهر شیراز مهاجرت کرده، نگاشته است چرا که در یکی از اشعار مورد بحث، از قربت و دوری وطن سخن گفته که می باید اشاره ای به اقامت وی در شیراز داشته باشد.^۳ نمونه اشعار از این دست

۱ محمد مکی جزینی عاملی، لؤلؤة الجزین، تحقیق بشار عالی بحرانی (بیروت: مرکز أوال للدراسات و التحقیق، ۲۰۱۷)، ص ۲۳۳-۲۴۱.

۲ دو اطلاع اخیر در معرفی نسخه از قلم افتاده که البته طبیعی است، چرا که این مطالب در حواشی و یا میان سطور صفحاتی از نسخه کتابت شده که مالکین نسخه مطالبی را یادداشت کرده اند و این باعث بی توجهی به این دو نکته شده است. برای گزارشی از مجموعه ۷۱۰۴ بنگرید به: علی صدرایی خویی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۵، ص ۱۱۴-۱۱۶.

۳ برای سفر و مهاجرت خاندان آل عیثن به شیراز و اهمیت حضور آنها در تثبیت اخباری گری در شیراز بنگرید به: محمد علی حرز، «الحركة العلمية الأحسانیة فی شیراز (أسرة آل عیثن نموذجاً)»، موسوعة الموسم، المجلد ۱۵۲،

از عالمان احسانی که در ایران اقامت داشته اند، فراوان است. شیخ عبدالله بن علی آل عیثان در دو بیتی شوق و اشتیاق خویش به وطنش احساء را چنین بیان کرده است:

ما من صديقٍ وإن تمت صداقته يوماً بأنجح في الحاجات من طبق
ما من غريبٍ وإن أبدي تجلده إلا تذكر عند الغربة الوطن

اشعار مورد بحث اهمیت بسیار زیادی دارند و تقریباً تنها دانسته های ما درباره او و میراث ادبی اوست و این بخشی ارزشمند از تراث ادبی مغفول احساء را تشکیل می دهند، موضوعی که خوشبختانه در سالیان اخیر تلاش هایی برای گردآوری میراث ادبی عالمان احسانی انجام شده و مواردی چون نسخه ۷۱۰۴ که مشتمل بر چنین اشعاری هستند، اهمیت بسیاری دارند.^۱

ارتباط عالمان قطیفی با دیگر مراکز علمی شیعه

نکته دیگر قابل توجه درباره عالمان احسانی مهاجر به ایران، عراق عرب و جبل عامل، نقش آنها در انتقال موارث کهن امامی است. عالمان مذکور نسخه های خطی متداول در دیار خود را در سفرهایی که برای طلب علم به مناطق دیگر داشته اند، با خود برده و گاهی این نسخه در آن سرزمین ها باقی مانده، یا بعد از رفت و آمده هایی اکنون بخشی از این نسخه ها در کتابخانه های ایران یا عراق قابل رهگیری است. عالمان بحرین قدیم هنگامی که به مناطق دیگر برای طلب علم می رفته اند، برای تحصیل علم به کتابت آثاری می پرداختند که به آنها نیاز داشته و تمایل به خواندن آنها در نزد مشایخ مکان هایی داشته اند که به آنجا سفر کرده اند. به عنوان مثال در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۳۰۳۵ نسخه ای از کتاب الدرر الشریعی فی فقه الامامیه شهید اول از آثار بسیار مورد توجه عالمان بحرین قدیم موجود است که شخصی به نام محمد بن یوسف بن احمد بن ثابت خطی از کتابت آن در روستای کرک نوح به تاریخ ۸۷۵ فراغت حاصل کرده است. وی باید از جمله عالمان قطیفی باشد که برای طلب علم به جبل عامل مهاجرت کرده و تصمیم داشته تا فقه امامی را نزد عالمان آنجا فرا

السنة ۳۵، ۲۰۲۰/۱۴۴۲، ص ۶۹۹-۸۳۲.

۱ اهمیت اشعار مورد بحث موضوعی است که استاد گرامی محمد علی حرز در مقاله ای از آنها بحث کرده و اساساً تقطن به اهمیت اشعار مذکور که در چند برگ نسخه ۷۱۰۴ آمده و از نظر فهرست نگار کتابخانه مجلس بدور مانده، از ایشان است.



گیرد. نسخه دارای بلاغ قرائت است که ظاهراً مربوط به کاتب نسخه است و محتملاً باید او نسخه را نزد عالم و فقیهی امامی ساکن در کرک نوح خوانده باشد. کاتب در انجامه نسخه اخیر در اشاره به مکان کتابت نسخه و هویت خود چنین نوشته است:

«تمّ الكتاب المبارك الموسوم بالدروس الشرعية في مذهب الإمامية في اليوم الثالث، الأربعاء في شهر ذي الحجة الحرام لتسع ليال بقين منه في سنة خمس وسبعين وثمانمائة هجرية، على مهاجرها أفضل الصلاة والسلام بقرية الموسومة بكرک نوح علی يد کاتبه لنفسه العبد الضعیف الواصل برحمة ربه الملك اللطيف، محمد بن يوسف بن أحمد بن ثابت الخطي مولداً وموطناً غفر الله له ولوالديه ومن نظر فيه ودعا له بالمغفرة والرحمة آمين يا رب العالمين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم. اطلب العلم يا فتى انما العلم بالطلب، رحم الله من قري ودعا للذي كتب».

اشاره کاتب به اینکه نسخه را برای خود نوشته است، نشانگر آن است که وی از عالمان قطیفی بوده و نسخه را به جهت خواندن بر یکی از مشایخ شیعه جبل عامل و به نحو مشخص روستای کرک نوح کتابت کرده است. او به زادگاه و موطن خود قطیف نیز اشاره کرده و ظاهراً بعد از مدتی اقامت به زادگاه خود بازگشته باشد.

اطلاعات اندکی درباره عالمان بحرین قدیم که برای طلب علم به جبل عامل در قرن نهم مهاجرت کرده اند، در دست است. عالمان بحرینی (احساء، قطیف و اوال) به رسمی کهن، زادگاهشان را برای تحصیل علم ترک کرده و تا پیش از قرن دهم به عراق عرب و گاه جبل عامل سفر کرده و نزد عالمان امامی آن مناطق تحصیل می کرده اند. از عالمان احسائی که از سفرهای علمی او و مرادانش با عالمان عراق عرب و جبل عامل اطلاعات فراوانی در دست می باشد، ابن ابی جمهور احسائی است. همین گونه ناصر بن ابراهیم بویه احسائی (متوفی ۸۵۳) از دیگر عالمان امامی احساء می باشد که در جوانی از احساء به روستای عینا ثنا سفر کرد و در آنجا اقامت گزیده و به تحصیل نزد عالمان امامی آنجا پرداخته و در همانجا نیز درگذشت.^۱ شهید ثانی در یادداشتی درباره شیخ ناصر بن ابراهیم بویه نوشته است:

۱ برای شرح حال وی بنگرید به: حر عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۸۸؛ افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۳۲-۲۳۵؛ سید محسن امین، أعيان الشيعة، ج ۱۰، ص ۲۰۲. از اجازات عالمان جبل عامل به شیخ ناصر بن ابراهیم بویه، اطلاعاتی در دست است. به عنوان مثال دانسته است که علی بن محمد بن یونس بیاضی (متوفی



«أن ناصر البويهی هو الشيخ الإمام المحقق ناصر بن ابراهیم البويهی الأصل، الاحسائي المنشأ، العاملي الخاتمة، كان رحمه الله من أجلاء العلماء والمحققين الفضلاء، خرج من بلاده إلى بلاد الشام المذكورة فطلب بها العلوم ثم أدركه الأجل المحتوم في الطاعون سنة ۸۵۳^۱ وهو من أعقاب ملوک بني بويه ملوک العراقین والعجم وهم مشهورن ... وهذا معنی قوله في كتبه: البويهی»^۲.

پس از قرن دهم، سفر به ایران میان عالمان امامی بحرین قدیم رواج یافت که از جمله این افراد می توان به فردی به نام محمد بن ابراهیم بن عیسی اوالی اشاره کرد که تا کنون سه نسخه خطی که او کتابت کرده، شناسایی شده است. نخست مجموعه ای مشتمل بر بیست و چهار رساله موجود در مدرسه علوی شهر خوانسار است. برخی رساله های این مجموعه تاریخ کتابت ۹۵۸، محرم و صفر ۹۶۰ و رساله یازدهم آن در ۹۶۶ است.^۳ مجموعه دیگر به شماره ۴۳۳۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی است. محمد بن ابراهیم اوالی در پایان رساله پنجم مجموعه اخیر نام اجداد خود را به شکل کاملتری «محمد بن ابراهیم بن عیسی بن ابراهیم بن حسین بن علی بن شبرمة» آورده است.^۴ آخرین اثر تا کنون شناخته شده از او مجموعه ای به شماره ۱۳۷۳۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی، مشتمل بر هفده رساله است. وی رساله های مذکور را میان سالهای ۹۵۸ تا ۹۶۳ کتابت کرده است. محمد بن ابراهیم اوالی تنها در یک مورد به مکان کتابت یکی از رساله هایی که در این مجموعه کتابت کرده، اشاره کرده است؛ شهر اردبیل. محمد بن ابراهیم اوالی در پایان رساله خلاصه الاعتبار فی الحج و الاعتمار شهید اول، نوشته است:

۱۸۷۷) نویسنده کتاب مشهور الصراط المستقیم در شب جمعه یازدهم ۸۵۲ به وی اجازه روایت داده است. برای متن اجازه بیاضی به بویه بنگرید به: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۲۱-۲۲۵.

۱ در متن چاپی امل الآمل، ج ۱، ص ۱۸۷ تاریخ اخیر، ۸۵۲ آمده است اما با توجه به تاریخ اجازه شیخ علی بیاضی به او در ۸۵۳، تاریخ ۸۵۲ به نظر نادرست است مگر آنکه تاریخ ۸۵۳ در اجازه بیاضی، در اصل ۸۵۲ بوده باشد.

۲ حر عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۸۸.

۳ برای گزارشی از این مجموعه بنگرید به: رضا مختاری، «فهرست نسخه های خطی مدرسه علوی خوانسار»، همو، جمع پریشان، دفتر اول (قم: نشر حوزه، ۱۳۹۰ش)، ص ۴۸۴-۴۸۷.

۴ برای گزارشی از نسخه ۴۳۳۹ کتابخانه مجلس بنگرید به: احمد منزوی، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱۲، ص ۳۷-۴۲.

«... علق هذا الرسالة الموسومة بـخلاصة الاعتبار في الحج والاعمار لنفسه العبد الفقير الى الله الولي الموالي محمد بن ابراهيم بن عيسى بن علي الأوالي عفى الله عنهم في شهر ربيع الثاني من شهور سنة ۹۵۸ في اردبيل»^۱.

محمد بن ابراهيم اُوالی مجموعهٔ اخير را برای استفادة خود کتابت کرده و در انجامه های نسخه عموماً خود را محمد بن ابراهيم اُوالی و گاه بحرانی معرفی کرده است. یکی از آثارى که او در اين مجموعه کتابت کرده، اثرى است به نام هداية الطالبين بشرح غنية المكلفين فى اصول الدين. متأسفانه محمد بن ابراهيم اُوالی به نام مؤلف رسالهٔ اخير اشاره نکرده، اما متذکر شده است که نسخه را از روی نسخهٔ مؤلف که در قيد حیات بوده، کتابت کرده و در انجامهٔ خود در اشاره به اين مطلب نوشته است:

«...تمت والخير والحسنى عمت وقد كتبت من خط مصنفها والحمد لله رب العالمين تحريراً في اليوم السادس من شهر ربيع الاول لسنة اثنين وخمسين وتسعمائة وصلى الله على محمد وآله على يد مالکها الفقير الحقير المحتاج الى رحمة ربه الغفور الرحيم العظيم وفقه الله لمعرفةها و... آمين اللهم آمين، العبد الاقل محمد بن ابراهيم البحراني عفى الله عنهما اجمعين آمين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و...».

در حاشیه انجامه کاتب متذکر شده که حواشی نقل شده در نسخه نیز از مؤلف رساله است (انتهيت كتابة الحواشي على يد مالکها الفقير الى الله الغني محمد بن ابراهيم بن عيسى البحراني عفى الله عنهم اجمعين وكتبت الحواشي من خط مصنفها دام الله ظله العالی بمحمد وآله الموالى وفقنا الله لمعرفةها انه على كل شىء قدير وبالاجابة جدير وصلى الله على محمد وآله). اين نسخه را عالم امامى سيد حسين عميدى حسینی دیده و برای مؤلف و مالک آن دعا کرده است (نظر فيه ودعا لصاحبه ومصنفه حسين العميدي الحسيني). تاريخ درگذشت فردى به نام سيد حسين بن احمد بن کمال در سال ۹۵۳ بر نسخه درج شده است.^۲

۱ برای معرفی مجموعهٔ ۱۳۷۳۲ کتابخانهٔ آیت الله مرعشى و تصاویری از مجموعهٔ اخير بنگرید به: سيد محمود مرعشى نجفى و محمد حسين امينى، فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آية الله العظمى مرعشى نجفى & (قم، ۱۳۸۵ش/۱۴۲۷)، ج ۳۴، ص ۶۹۰-۷۰۵، ۱۰۱۶-۱۰۲۳.
 ۲ برای نسخه های هداية الطالبين بنگرید به: فنخا، ج ۳۴، ص ۶۸۰..

روابط فرهنگی میان بخش های بحرین قدیم

روابط میان مراکز علمی بحرین قدیم نیز از مسائلی است که تنها بر اساس اطلاعات بسیار در نسخه هایی خطی کتابت شده توسط عالمان این منطقه قابل بحث است. به عنوان مثال به دلیل آبادانی بیشتر جزیره اُوال و مرکزیت علمی آن در قرون دهم به بعد، شاهد آن هستیم که بسیاری از عالمان دو منطقه قطیف و احساء برای تحصیل علم به جزیره اُوال سفر کرده و در روستاهای مختلف آن در نزد عالمان ساکن در آن مناطق به کسب علم می پرداخته اند. مهاجرت میان بخش های مختلف بحرین قدیم بسیار متداول بوده است و عموماً این مهاجرت ها ناشی از حوادث سیاسی، تلاش برای زندگی بهتر در کنار علاقه برای کسب علم و حضور در نزد عالمان به نام عصر بوده است. اما مشکل اصلی برای تحقیق در خصوص مهاجرت در مناطق مختلف بحرین قدیم فقدان منابع است و تنها بر اساس اطلاعاتی که بر نسخه های خطی یا وثائق مختلف که نام افراد به عنوان شاهد یا نویسنده در آنها ذکر شده، می توان در خصوص چنین جریانی پژوهش کرد که نمونه ای مهم از مطالعات انجام شده بر اساس چنین منابعی، مقاله خواندنی استاد ارجمند محمد علی حرز درباره خاندان بغولی از بیوتات علمی ساکن در احساء است که به مدینه مهاجرت کرده اند و در آنجا روابط خوبی با اشراف و سادات مدینه داشته اند.^۱ از موارد دیگر در خصوص مهاجرت عالمان اُوالی به احساء، اطلاعات منحصر به فردی است که درباره سید علی بن ماجد بن علی عُریضی - نیای خاندان سید ماجد بحرانی - در انجامه نسخه منحصر به فرد کتابش به نام سر السرائر

۱ بنگرید به: محمد علی حرز، «من الأسر الأحسانیة المهاجرة إلى المدینة المنورة... البغولی نموذجاً»، الساحل، العدد الحادی و الأربعون، السنة الثالثة عشرة، ربیع ۲۰۱۹، ص ۸-۳۸. استاد گرامی محمد علی حرز، نام شماری از اعلام و افراد خاندان بغولی را که یافته اند، در مقاله خود ذکر کرده اند. بر فهرست نام هایی که ایشان ذکر کرده اند، می باید فردی به نام عبدالحسین بن محمد بغولی را افزود که زمانی مالک نسخه ای از کتاب تهذیب الاحکام است که در سال ۱۰۳۴ کتابت شده و بر شرف الدین شولستانی خوانده شده است. نسخه اخیر به شماره ۱۴۲ در کتابخانه سریزدی موجود است (بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه سریزدی (مسجد حظیره)، دفتر اول، ص ۱۲۱). بخش دیگری از تهذیب الاحکام مورد بحث در کتابخانه سید محمد صادق بحر العلوم موجود است که می توان دریافت کاتب نسخه فردی به نام محمد بن محمود بن مولانا علی طیبی است. طیبی در آغاز رمضان ۱۰۳۴ زمانی که در شیراز به تحصیل مشغول بود، کتابت نسخه ای از جلد اول کتاب تهذیب الاحکام را شروع کرده بود.



فی الفلک الدائر که در سال ۸۴۵ تألیف شده و در ضمن مجموعه ۶۴۵۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است، در دست داریم. در انجامه رساله اخیر آمده است:

«هذه الرسالة تصنيف السيد علي بن ماجد بن علي السيد العريضي الحسيني الأوالي محدثاً ومنشأً، وهو يومئذ في الأحسا بالمسجد الجامع أعني مسجد سليم عمّره الله ببقائه إنه على كل شيء قدير».

عبارت اخیر از چندین جهت اهمیت دارد؛ خاندان سید ماجد بحرانی زمانی که در جزیره اُوال اقامت داشته اند، به عریضی شهرت داشته اند، در حالی که بعد از مهاجرت به احساء به سادات حسینی. عبارت آمده در انجامه دلالت بر این دارد که سید علی بن ماجد عریضی علی الظاهر امامت مسجد سلیم را برعهده داشته است. مسجد سلیم از مساجد کهن احساء در روستای قاره است. روابط اجتماعی - اقتصادی فراوانی میان جزیره اُوال با احساء از طریق بندر مشهور عُقیر وجود داشت و خاندان های علمی اُوال در کنار کارهای علمی به تجارت نیز مشغول بوده اند.

عالمی به نام صالح بن ثامر بن عبدالله بن عبدالله بن ثامر بحرانی اُوالی احسانی را می شناسیم که همانگونه شهرتش نشان می دهد از اهالی اُوال بوده و به احساء مهاجرت کرده است. درباره او تنها بر اساس نسخه هایی که استنساخ کرده دانسته شده که در اواخر قرن دهم و نیمه نخست قرن یازدهم حیات داشته است. در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۶۳۵۷ مجموعه ای مشتمل بر غرر الفوائد و درر القلائد سید مرتضی به همراه تکمله آن و تفسیر قصیده مذهبه سید اسماعیل حمیری موجود است که کاتب تمام آن صالح بن ثامر اُوالی است. تاریخ فراغت از کتابت جزء اول امالی سید مرتضی روز چهارشنبه ۲۶ رجب ۹۹۶ و تاریخ فراغت از مجلد دوم نیز ۲۸ شعبان ۹۹۶ است. بخش تکمله امالی نیز در شب هفتم رمضان ۹۹۶ به پایان رسیده است. آخرین بخش مجموعه یعنی تفسیر قصیده مذهبه سید اسماعیل حمیری نیز در روز دوشنبه ۱۴ رمضان ۹۹۶ کتابت شده است.^۱ همانگونه که دیده

۱ مرحوم دانش پژوه نام کاتب را صالح بن ثامن بن عبدالله بن ثامن اُوالی بحرانی خوانده است. ثامن تصحیف ثامر است. برای توصیفی مختصر از مجموعه ۶۳۵۷ دانشگاه تهران بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران: انشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ش)، ج ۱۶، ص ۲۴۸-۲۴۹.

شد در این نسخه صالح بن ثامر تنها خود را اُوالی معرفی کرده است که نشان از نسبت او به جزیره اُوال دارد، اما نسخه ای دیگر که توسط وی کتابت شده، نشان از اصلیت او دارد و این مطلب که وی از جایی دیگر به جزیره اُوال مهاجرت کرده است. نسخه ای از کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۹۱۳۶ موجود است که صالح بن ثامر کتابت بخشی از آن یعنی از کتاب الصوم تا آخر آن را در روز چهارشنبه ۱۲ ذی القعدة ۱۰۲۹ به پایان رسانده است، که دلالت بر زنده بودن او تا تاریخ مذکور دارد. صالح بن ثامر در انجامه نسخه اخیر خود را چنین معرفی کرده است:

«وافق الفراغ... علی ید صالح بن ثامر بن عبدالله بن ثامر، ضحی یوم الأربعاء ثاني عشر شهر ذی القعدة الحرام أحد شهور سنة تسع وعشرين وألف، حامداً لله، مصلياً على محمد وآله عليهم السلام... بجراني البلد والأحسائي المنشأ والمنزل...»^۱

عبارت اخیر مهم است و بر اساس همان می دانیم که صالح بن ثامر از احساء به جزیره اُوال مهاجرت کرده و در آنجا سکونت داشته است. نسخه بعدها در اختیار عالمی اصفهانی به نام حسین بن کمال الدین الابرز حسینی قرار گرفته و در یادداشتی که همو بر نسخه نوشته، وی در مجالسی که آخر آنها عصر روز یکشنبه نهم ذی القعدة ۱۰۳۰ بوده، نسخه را با نسخه تهذیب الاحکام شیخ بهایی - همان نسخه مشهور تهذیب الاحکام در عصر صفوی - مقابله کرده و از شیخ بهایی که اندکی قبل درگذشته با عنوان استادش (شیخنا البهائی - تخمد الله برضوانه و أسکنه بحبوحة جناته) سخن گفته است.

نسخه اخیر از جهات دیگری نیز قابل توجه است. فاصله اندکی میان تاریخ فراغت از کتابت صالح بن ثامر تا انهایی که حسین بن کمال الدین بن الابرز حسینی از مقابله و تصحیح نسخه سخن گفته وجود دارد. دو احتمال وجود دارد. محتمل است که صالح بن ثامر کتابت نسخه خود را در جزیره اُوال به پایان رسانده و نسخه پس از آن فروخته شده و یا آنکه صالح بن ثامر خود در اصفهان بوده و در همانجا کتابت نسخه را به انجام رسانده باشد.

۱ میر محمود موسوی، فهرست آثار دست نویس شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی در کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی^{رحمته} (قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۹۱ش/۱۴۳۴)، ص ۱۳۰.





از اواخر قرن نهم به بعد، شواهد تاریخی روشنی درباره سفر عالمان امامی بحرین قدیم به مشهد در دست است که ابن ابی جمهور احسائی یکی از نام آورترین آنها می باشد. در عصر صفویه، مهاجرت و اقامت عالمان احسائی شتاب بیشتری گرفت جز آنکه مشکل اصلی نبود اطلاعات روشن تاریخی در کتابهای تراجم و تواریخ عصر صفوی است. تصویر ارایه شده در کتابهای تراجم از منازعه میان شیخ ابراهیم قطیفی با محقق کرکی نیز باعث این تصور شده که شیعیان قطیف، احساء و اساساً بحرین قدیم، چندان اعتمادی به صفویه و اعتقادی به تشیع صفویه نداشته اند. اما این مطلب نادرست است. نخست آنکه شیخ ابراهیم قطیفی پاره ای از آراء فقهی محقق کرکی را نادرست می دانسته و از سوی دیگر نزدیکی به دربار را خلاف سنت مقبول شیعی، اما این مطلب به معنی نادرستی تشیع صفویان یا غالی بودن ادعا شده توسط برخی محققان صفویه نیست.

شواهدی وجود دارد که صفویان به شیعیان بحرین قدیم از همان ابتدا توجه داشته و سعی می کرده اند تا از آنها دست کم حمایت مالی داشته باشند، اما مشکل جدی در سر راه صفویه در تسلط به بحرین قدیم وجود داشت و آن نداشتن نیروی دریایی بود از یکسو و دیگری حضور قدرتمند پرتغالی ها در جنوب ایران بود. قطیف از ۹۲۷ در تصرف پرتغالیان بود که سعی داشتند تا مراکز اصلی تجارت دریایی خلیج فارس را در تصرف خود داشته باشند. پرتغالی ها در ۹۲۷ به قطیف هجوم بردند و امیر آنجا شیخ مقرن بن زامل بن حسین بن ناصر جبری را به قتل رساندند. با این حال اشغال کامل قطیف در توان پرتغالی ها نبود و آنها سعی کردند تا با اشغال نواحی ساحلی و مهم قطیف بر آن منطقه تسلط داشته باشند. بعد از قتل مقرن، نخست عمویش علی بن اجود و کسان دیگری از خاندان بنو جبر عهده دار امارت در قطیف و احساء شدند. ناتوانی حاکمان جبری در اداره امور و ضعف آنها باعث دعوت از شیخ راشد بن مغامس بن صفر بن محمد بن فضل امیر بصره شد تا مگر با کمک او بتوانند بر اوضاع تسلط یابند. این حادثه در ۹۳۱ رخ داد. شیخ راشد خود در احساء و قطیف ماند و برادرش محمد را به امارت بصره گمارد. شیخ راشد در سال ۹۳۳ با جمع کثیری که تعداد آنها پانصد نفر ذکر شده، به حج مشرف شد.^۱

۱. بنگرید به: عبدالقادر بن محمد انصاری خزرجی، الدرر المنظمة فی أخبار الحاج و طریق مكة المعظمة، ج ۲، ص ۳۷۴.

بنادر مهم قطیف یعنی عقیر، دارین و جزیره تاروت برای پرتغالی ها اهمیت فراوانی داشت. پرتغالی ها برای در اختیار گرفتن تجارت مرواید و اساسا راه های بازرگانی دریایی خلیج فارس سعی داشتند تا بر جزیره اُوال نیز تسلط پیدا کنند. تلاش پرتغالی ها در سال ۹۱۲ که آلفونسو دو آلبوکرک به فرماندهی یک ناوگان جنگی مرکب از شانزده کشتی جنگی و ۱۳۰۰ نیروی جنگی به فرماندهی تریستان داکونیا مأمور فتح هندوستان شد، آغاز شد. گروه اخیر توانست مناطقی را به تصرف خود درآورند و اندکی بعد از ۱۱ ربیع الثانی ۹۱۳ با شش کشتی جنگی و ۴۶۰ نیروی جنگی به سمت سواحل عمان و خلیج فارس حرکت کردند و توانستند هرموز را اشغال کرده و اندکی بعد از آن در ۹۲۷ قطیف و جزیره مهم بندری آن یعنی تاروت را تصرف کنند.

شاهان صفوی نیز به نوبه خود سعی کردند تا بر عراق عرب تسلط پیدا کنند و به نوعی برخی راه های بازرگانی را تحت سیطره خود درآورند، اما تلاش آنها به سرعت به شکست انجامید و عثمانی توانستند تا به تلاش های صفویه در این زمینه را با بازپس گیری عراق در روزگار سلطان سلیمان قانونی خاتمه دهند. از سوی دیگر عثمانی نیروی دریایی داشت و سعی کرده بود تا به مقابله با سیطره بازرگانی پرتغالیها پردازد که نتیجه آن تصرف قطیف و احساء در ۹۵۷ شد اما پرتغالیان هرموز را در اختیار داشتند و سیطره خود بر راه بازرگانی دریایی خلیج فارس همچنان حفظ کردند.

در چنین فضایی صفویه به حمایت از شیعیان بحرین قدیم توجه داشتند و دست کم از میانه عصر شاه طهماسب به بعد، نام شماری از عالمان بحرین قدیم را می شناسیم که برای تحصیل و یا اقامت به قلمرو صفویه مهاجرت کرده اند. برخی از این افراد بار دیگر به زادگاه خود بازگشته اند. طبعاً سفر به قلمرو صفویه برای فراگیری فقه شیعه، اولاً نشان از اهمیت علمی یافتن مراکز صفویه دارد و دیگر آنکه افراد مذکور بهره مند از حمایت صفویه بوده و به نوعی قائل به مشروعیت حکومت آنها. شناخت بیشتر درباره عالمان بحرین قدیم و روابط آنها با صفویه نیازمند پژوهش بیشتر است.

دشواری اصلی در باب نشان دادن رویکرد و تلقی عالمان خارج از صفویه نسبت به آنها، در عدم اشاره صریح منابع تاریخ نگاری صفویه است. با این حال شواهد دیگر که بتواند بر





مسئلهٔ اخیر را توضیح دهد، در نسخه‌های خطی کتابت شده توسط عالمان امامی دوران مورد بحث و گاه مهاجر به ایران می‌تواند پرتوی بر این مسئله بیفکند. اساساً در بحث از گسترش تشیع در ایران و اهمیت مهاجرت عالمان عاملی نکتهٔ مغفول دیگر، مشارکت عالمان بحرین قدیم شامل احساء، قطیف و اُوال به ایران در عصر صفویه است که تنها به صورت جسته و گریخته اهمیت عالمان اُوالی در اواخر عصر صفویه مورد توجه قرار گرفته است.

به عنوان مثال مجموعه ای در کتابخانهٔ مجلس به شمارهٔ ۴۳۳۹ موجود است که توسط عالمی اُوالی به نام محمد بن ابراهیم اُوالی بحرانی کتابت شده است. وی در ایران و به نحو دقیقتر در جزائر سکونت گزیده و نزد شاگردان محقق کرکی چون محمد بن حارث منصوری و عطاء الله آملی به تحصیل پرداخته است. احتمال دارد که محمد بن ابراهیم اُوالی به زادگاهش بازنگشته باشد، یا اگر هم به زادگاه خود بازگشته، سالهای در ایران اقامت داشته و برخوردار از حمایت صفویه بوده است. کاتب مجموعه در برگ نخست تصریح دارد که مجموعهٔ مذکور را برای استفادهٔ خود و خواندن متن‌های کتابت شده نزد استادانش کتابت کرده است (کتاب هذا الكتاب لنفسه واتخذ لدرسه العبد الأقل والقنُّ الادل، المتمسک بولاء السادة الموالی عبدهم محمد بن ابراهیم الأوالی الموالی).

عمده رساله‌های کتابت شده در مجموعه آثاری از محقق کرکی است، که در کنار آنها حواشی متعددی دیده می‌شود که مطالب بیان شده در هنگام درس توسط استادان کاتب است. مجموعهٔ اخیر نشان از اهمیت محقق کرکی و شاگردان تربیت شدهٔ او دارد که در گسترش تشیع نقش مهمی در اوایل عصر صفویه ایفا کرده‌اند.^۱ تاریخ کتاب مجموعهٔ اخیر که میان سالهای ۹۴۸ تا ۹۵۲ بوده، نشان از چند مطلب دارد. نخست توجه عالمان امامی ساکن در بحرین قدیم به ایران برای فراگیری علم را نشان می‌دهد. دوم نادرست بودن دیدگاه رایج مطرح شده در تحقیقات صفوی پژوهان را نشان می‌دهد که معتقدند تشیع صفویان در دورهٔ شاه اسماعیل و تا میانه‌های حکومت شاه طهماسب تشیع غالبانه بوده است، چرا که

۱ برای معرفی مجموعهٔ ۴۳۳۹ بنگرید به: احمد منزوی، فهرست کتابخانهٔ مجلس شورای ملی (تهران: چاپخانهٔ مجلس شورای ملی، ۱۳۴۶ش)، ج ۱۲، ص ۳۷-۴۲. مجموعهٔ اخیر به صورت کامل و دقیقی معرفی نشده است و نکات مهمی در معرفی آن از قلم افتاده است.

معنی ندارد عالمی امامی برای فراگیری فقه به جایی سفر کند که شیعیان آنجا غالی باشند و اساساً غلات علاقه ای به فقه و تقیدی به شرع ندارند. کاتب مجموعه مذکور در شهر های مختلف ایران چون قزوین و مشهد حضور داشته است. از محمد بن ابراهیم اوالی مجموعه ای به شماره ۱۳۷۳۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که مشتمل بر هفده رساله است. وی رساله های مذکور را میان سالهای ۹۵۸ تا ۹۶۳ کتابت کرده است. محمد بن ابراهیم اوالی تنها در یک مورد به مکان کتابت یکی از رساله هایی که در این مجموعه کتابت کرده، اشاره کرده است؛ شهر اردبیل. وی در پایان رساله خلاصه الاعتبار فی الحج و الاعتمار شهید اول، نوشته است:

«..علق هذا الرسالة الموسومة بخلاصة الاعتبار في الحج والاعمار لنفسه العبد الفقير الى الله الولي الموالي محمد بن ابراهيم بن عيسى بن علي الأوالي عفى الله عنهم في شهر ربيع الثاني من شهر سنة ۹۵۸ في اردبيل»^۱.

هر چند بر اساس نسخه شماره ۴۳۳۹ کتابخانه مجلس می دانیم که محمد بن ابراهیم اوالی میان سالهای ۹۵۸ تا ۹۶۳ در ایران اقامت داشته است. همچنین سیاست های سختگیرانه عثمانی بر شیعیان پس از تسلط بر قطیف و احساء را نباید فراموش کرد که در خصوص آن اسناد و اطلاعات قابل توجهی در آرشیوهای عثمانی موجود است. اسناد مذکور به وضوح نشان از این دارد که در پی سیاست های والیان عثمانی، در درجه نخست تجار شیعه دو منطقه مذکور یعنی احساء و قطیف به مهاجرت به اوال پرداخته اند. همین گونه به نظر می رسد که خاندان های شیعی ساکن در احساء و قطیف در پی سیاست های اعمال شده و تلاش والیان عثمانی برای تقویت اهل سنت خاصه حنفیان در احساء و قطیف به مهاجرت به عراق عرب، عراق عجم و مناطق تحت سیطره صفویه ترغیب شده باشند. عراق عرب و وجود شاگردان محقق کرکی برای افراد مشتاق به فراگیری علوم دینی اولویت داشته است. شاه طهماسب صفوی نیز برای گسترش تشیع در بخش های مختلف ایران باید از این دسته عالمان حمایت کرده باشد.

۱ برای معرفی مجموعه ۱۳۷۳۲ کتابخانه آیت الله مرعشی و تصاویری از مجموعه اخیر بنگرید به: سید محمود مرعشی نجفی و محمد حسین امینی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی & (قم، ۱۳۸۵/ش/۱۴۲۷)، ج ۳۴، ص ۶۹۰-۷۰۵، ۱۰۱۶-۱۰۲۳.



در دفاتر مهمه دفتر لری تعدادی از شکایات اهالی قیظف ثبت شده است که برخی از آنها تاریخ‌های ۲۰ صفر ۹۶۸؛ ۱۸ شعبان ۹۶۷ را دارد.^۱ دولت عثمانی توانسته بود در ۹۵۷ قیظف را از دست پرتغالیان بیرون آورد. گروهی از اهالی قیظف و اوال در سال ۹۴۱ در بغداد با سلطان سلیمان قانونی دیدار کرده بودند و از وی خواستند تا سرزمین آنها را از دست پرتغالیان خارج کند، با این حال به سرعت شیعیان قیظف و احساء با سیاست‌های سختگیرانه والیان عثمانی مواجه شدند. در کتابخانه مجلس نسخه‌ای با عنوان الروضة البهية فی مدح خیر البرية به شماره ۱۵۸۵۴ موجود است که ناظم آن ابوالفتح فرج الله بن محمد احسائی خطی است که در آغاز اشعار خود اشاره کرده که از زادگاه در قلمرو عثمانی به دربار صفویه پناه آورده است. متأسفانه نام سلطان صفوی ذکر نشده و از او تنها با تعبیر «الحضرة العلیة والاخلاق المرضیة کعبة الجود وکفهمیة سلطان دار المؤمنین...» در نسخه یاد شده است. درباره هویت ناظم نیز اطلاع بیشتری در دست نیست.^۲

شاهد دیگر بر موضوع مورد بحث، نسخه‌ای در کتابخانه مجلس مجموعه سید محمد صادق طباطبائی به شماره ۱۱۱۴ از کتاب شرح موجز القانون نفیس بن عوض کرمانی (متوفی ۸۴۲) وجود دارد که عالمی اوالی به نام عبدالله بن جعفر از کتابت آن در ۱۹ جمادی الاولی ۹۷۲ فراغت حاصل کرده است. او در انجامه نسخه متذکر شده که اصالتاً اهل خط / قیظف است که به اوال مهاجرت کرده است (... تمّ الکتاب بعون الله الملك الوهاب فی عصر یوم الأثنین ۱۹ شهر جمادی الاولی سنة ۹۷۲ علی ید اقل عباد الله تعالی واحوجهم الی رحمة الله العلی الاکبر عبدالله بن جعفر الاوالی مسکناً والخطی مولداً ومنشأ عفی الله عنه ... المؤمنین).

تصرف قیظف توسط عثمانی در ۹۵۷ و فشارهای فراوان والیان منصوب بر احساء و قیظف بر شیعیان باعث شد تا برخی از خاندان‌های قیظفی برای رهایی از آزارهای مذکور به

۱ برای متن این شکایات بنگرید به: فاضل بیات، البلاد العربية فی الوثائق العثمانية (استانبول، ۲۰۱۴)، ج ۳، ص ۴۳-۵۶. از دوست گرامی آقای عبدالخالق جنبی که توجه مرا به این کتاب جلب کرد و از سر لطف صفحات مربوط را برایم فرستاد، کمال تشکر را دارم.

۲ از لطف دوست گرامی نزار عبدالجبار که توجه مرا به این نسخه جلب نمود، ممنونم. برای گزارشی کوتاه از این نسخه بنگرید به: ابوالفضل حافظیان بابلی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/س/۲۰۱۱)، ج ۴۴، ص ۹۹.

أوال مهاجرت کنند، ممکن است که خانواده کاتب نسخه نیز از جمله همان خاندان‌ها باشد.^۱ در انجامه های بخش های مختلف این نسخه، کاتب به مکان فراغت از کتابت بخش های نسخه اشاره کرده که نشانگر آن است که وی شاید به کار تجارت نیز مشغول بوده است. او نام خود را در پایان فن دوم به شکل کاملتری عبدالله بن جعفر بن یوسف بن قمبر آورده است: (تمّ الفن الثاني بعون الله تعالى وحسن توفيقه في اليوم السابع في شهر ذوالقعدة الحرام احد شهر سنة ۹۷۱ علی يد اقل عباد الله تعالى واحوجهم الى رحمة ربه الاكبر عبدالله بن جعفر بن یوسف بن قمبر الأوالی عفی الله عنهم وعن المؤمنین). وی بخش هایی از نسخه را در شهر احمد نگر به پایان رسانده است و به این نکته در پایان فن سوم کتاب اشاره کرده و در انجامه چنین نوشته است: «تمّ الفن الثالث من کتاب شرح نفیسی بحمد الله تعالى وحسن توفيقه في يوم الاربعاء ۲ شهر جمادي الاولی احد شهر سنة ۹۷۲ ببلدة احمد نگر...»^۲.

درباره سفر عالمان امامی به احمد نگر در این دوران نباید از نظامشاهیان امامی حاکم بر آنجا غافل بود، خاصه که برهان نظام شاه (متوفی ۱۵ محرم ۹۶۱) دخترش را به عقد سید حسن بن علی بن شدقم مدنی در آورد و حضور سید حسن بن شدقم در احمد نگر و حمایت های احتمالی او و دربار نظام شاهی از عالمان امامی می توانست انگیزه ای برای مهاجرت عالمان قطیفی به آنجا باشد، که در کنار دربار صفویه، در این دوران، مکانی مطلوب برای مهاجرت عالمان امامی بحرین قدیم بوده است، روابطی که در ادامه نیز با به قدرت رسیدن

۱ برای بدرفتاری والیان عثمانی احساء و قطیف نسبت به ساکنین محلی بنگرید به: عبدالکریم بن عبدالله منیف وهبی، العثمانيون و شرق شبه الجزيرة العربية إيالة الحسا ۹۵۴-۱۰۸۲هـ/۱۵۴۷-۱۶۷۱م (ریاض: ۲۰۰۴/۱۴۲۵)، ص ۲۱۷، ۲۳۴-۲۳۵، ۲۳۸. از دوست گرامی عبدالله رستم که دسترسی به کتاب اخیر به لطف او برابم میسر شد، سپاسگزارم.

۲ از دوست عزیز نزار عبدالجبار که توجه مرا به این نسخه جلب نمود، تشکر فراوان دارم. شماری از آثار شیعی کتابت شده شیعی در دوران امارت نظام شاهیان در دست است که از جمله آنها می توان به نسخه ۶۳۷۱ الفیه شهید اول اشاره کرده که فردی به نام محمود بن احمد بن محمود در روز سه شنبه ۱۸ ذی القعدة ۹۸۵ در احمد نگر از کتابت آن فراغت حاصل کرده است. (تمت الكتاب بعون الملك المعبود حرره الفقير الى الله الودود محمود بن احمد بن محمود في يوم الثلاثاء ثامن عشر شهر ذي قعدة الحرام سنة ۹۸۵ في دار السلطنة احمد نگر). در کتابخانه آستان قدس به شماره ۱۵۴۸ مجلدی از تفسیر مجمع البیان موجود است که فردی به نام طالعی یزدی در ۹۶۷ در احمد نگر از کتابت آن فراغت حاصل کرده است. همین گونه مجلدی از کتاب تذکرة الفقهاء علامه حلی به شماره ۶۲۴۵ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است که علی بن فتاح بن محمد باغنوی شیرازی از کتابت آن در روز دوشنبه ۵ رجب ۹۴۹ در احمد نگر فراغت حاصل کرده است.



سلطان حسین بن برهان نظام شاه (حکومت ۹۶۱-۹۷۲) ادامه یافت.^۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۳۲۹۹ نسخه ای از کتاب تذکرة الفقهاء علامه حلی موجود است که همین کاتب از کتابت آن در ۲۹ ذی قعدة ۹۷۰ فراغت حاصل کرده است. بخشی دیگری از تذکرة الفقهاء که همین کاتب کتابت کرده، در کتابخانه مجلس مجموعه طباطبائی به شماره ۲۸۵ موجود است، اما متأسفانه نام وی در فهرست نویسی از قلم افتاده است. کاتب به نام خود در پایان جزء دوازدهم چنین تصریح کرده است:

«تمّ الجزء الثاني عشر من التذکرة الفقهاء بحمد الله تعالى في اليوم الرابع عشر من شهر ربيع الاول سنة ۹۷۳ في بلدة احمد انگر الدکن صانها الله تعالى في ظل واليها وحاميها عن الغير والفتش الى ظهور الحجة القائم محمد بن الحسن بقلم الفقير الى الله الغني الأكبر عبدالله بن جعفر الأولي عفى الله عنهما بمنّته»^۲.

در قانون نامه قطیف که در سال ۹۵۹ نوشته شده، به مواردی از ستم های والیان عثمانی نسبت به اهالی قطیف و اوال و سیاست هایی که والیان عثمانی به بهانه شیعه بودن در آنجا اعمال کرده بودند، اشاره رفته است؛ مالیات های اضافه بر آنچه مرسوم بوده؛ مصادره اموال شیعیان متوفی به بهانه آنکه مذهب شیعه خارج از مذاهب اربعه است و اموال متوفی به نفع حکومت مصادره می شده است. تداوم شکایت ها در خصوص مسائل مذکور نشان از این دارد علیرغم آنکه باب عالی نسبت به مسائل مورد اشاره دستور به توقف داده، اما همچنان والیان عثمانی به همان سیاست ها ادامه می داده اند.^۳

۱ برهان نظام شاه (حکومت ۹۱۴-۹۶۱) نخستین حاکم از نظامشاهیان است که به تشیع گروید. او در سال ۹۴۴ و متاثر از شاه طاهر دکنی که از کاشان به قلمرو او گریخته بود، به تشیع گروید. برای روابط سید حسن بن شدقم با برهان نظام شاه و ازدواج با دخترش بنگرید به: ضامن بن شدقم، تحفة الازهار و زلال الانهار، ج ۲، قسم اول، ص ۲۲۰-۲۲۲. برای روابط بین آل شدقم و نظام شاهیان هند بنگرید به: حسین واقتی، اعلام المدينة المنورة من بنی شدقم و غیرهم، ص ۵۵۱-۵۵۴.

۲ این نسخه بعدها در تملک محمد بن علی بن نعمة الله عاملی به تاریخ ۱۰۲۸ بوده است. برای گزارشی از نسخه بنگرید به: سید محمد طباطبائی بهبهانی، فهرست نسخه های خطی کتابهای اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱ش)، ج ۲۴، ص ۲۰۰.

۳ برای قانون نامه قطیف بنگرید به: فیصل الکندری، «قانون نامه لواء القطف لعام ۹۵۹هـ/۱۵۵۶م»، المجلة التاريخية العربية للدراسات العثمانية، العدد الخامس عشر و السادس عشر (اکتوبر-نوفمبر ۱۹۹۷)، ص ۳۳۹-۳۶۵، مسائل مورد اشاره در صفحات ۳۵۷، ۳۶۱ مورد اشاره قرار گرفته است.

در میان اسناد دفاتر مهمه دفتر لری موجود در آرشیو نخست وزیری ترکیه که تعداد آنها ۴۱۹ دفتر و سالهای ۹۶۱ - ۱۳۳۳ را در بر می گیرد، اطلاعات فراوانی درباره قطیف و احساء آمده که می تواند تا حدی سیاست های خصمانه والیان عثمانی در خصوص شیعیان آن منطقه را نشان دهد.^۱ بر اساس این گزارشها می توان از گرفتن مالیات های مضاعف که از آن در گزارش ها به مالیات های غیر شرعی، مصادره اموال، خرید از اهالی احساء بدون پرداخت بهای کالا و مهاجرت از احساء و قطیف به ولایات دیگر که باید ناشی از سیاست های سخت گیرانه والیان عثمانی بوده باشد، اشاراتی آمده که به وضوح سیاست های تند و خشن عثمانی در قبال ساکنان شیعی این مناطق را نشان می دهد. سختگیری والیان عثمانی احساء و قطیف بر تجار و اعیان شیعی باعث شد تا برخی از آنها به اوال مهاجرت کنند که از مشهورترین تجار قطیفی می توان به خاندان آل مقلد در اواخر قرن دهم اشاره کرد.

درباره نسخه های کتابت شده توسط عالمان بحرین قدیم، با توجه به مکان های کتابت نسخه، محتمل است که آنها در کنار فعالیت های دینی، به کار تجارت نیز مشغول بوده باشند. به عنوان مثال عالمی به نام عبدالوهاب بن محمد بن عبدالوهاب احسانی را می شناسیم که از کتابت نسخه ای از امالی سید مرتضی در روز جمعه ۱۲ جمادی الاولی ۱۰۷۵ در روستای منامه از توابع اوال فراغت حاصل کرده است. این نسخه به شماره ۷۹۴ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. نسخه در میان عالمان بحرینی باقی بوده و بر روی آن حواشی از علی بن عبدالحسین بن عاشور بحرینی دیده می شود. از عالمان بحرینی دیگری که تملک آنها بر روی نسخه آمده می توان به نعمت الله بن مرهون بن حسین بن راشد بلادی بحرانی با تاریخ تملک ۱۷ رمضان ۱۱۰۴ و علی بن هاشم بن علی بن هاشم بن علی حسینی موسوی سترای بحرینی اشاره کرد.^۲

۱ زکریا کورشون و محمد موسی القرینی در کتاب سواحل نجد «الاحساء» فی الأرشیف العثماني «جبل شمر - القصیم - الرياض - القطیف - الکویت - البحرین - قطر - مسقط» (بیروت: الدار العربیة للموسوعات، ۲۰۰۵/۱۴۲۶) به بررسی اسناد مهمه دفتر لری پرداخته و گزارشی از آنها ارایه کرده اند.
 ۲ در کتابخانه مدرسه نمازی خوی مجموعه ای به شماره ۷۲۳ موجود است که مشتمل بر التنبیه بالمعلوم من البرهان علی تنزیه المعصوم من السهو و النسیان؛ کشف التعمیه فی حکم التسمیه و نزهه الاسماع فی حکم الاجماع شیخ حر عاملی است. کاتب مجموعه ابراهیم بن عبدالوهاب احسانی است که از کتابت رساله اول در ربیع الاول ۱۰۹۰؛



همچنین عبدالوهاب احسانی نسخه ای دیگر از کتاب الذریعة سید مرتضی را کتابت کرده که به شماره ۳۲۱۰ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. کتابت از نسخه اخیر در روز یکشنبه یازدهم صفر ۱۰۶۸ در مدینه به پایان رسیده است. وی اندکی بعد در ۱۰۷۰ و در حیدرآباد دکن نسخه را به فرزندش ابراهیم بخشیده و این مطلب در یادداشتی بر برگ اول نسخه توسط شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی (متوفی ۱۰۸۸)^۱ مورد تأیید قرار گرفته و گفته که نسخه به امانت نزد اوست.^۲ مراکز ذکر شده محتملا با شغل کاتب که شاید دستی در تجارت نیز داشته، بی ارتباط نیست.^۳

در مواردی نیز خاندان های اوالی را می شناسیم که به احساء مهاجرت کرده اند. در کتابخانه مجلس مجموعه ۱۱۶۲ سید محمد صادق طباطبائی، مجموعه ای مشتمل بر چهار رساله فقهی موجود است. رساله نخست اللمعة الجلیة فی معرفة النية ابن فهد حلی است که فردی به نام راشد بن حسین بن علی بن حسین بن محمد بن صالح بن حسن بن ابی سروال اوالی بحرانی در شب یکشنبه، ۲۴ ذی القعدة ۹۸۳ کتابت کرده است. او خود را «الاولی

رساله دوم در دوم غرة جمادی الاولى ۱۰۹۰ فراغت حاصل کرده است. نسخه بعدها در تملک عبدالله بن احمد بن زین الدین احسانی در ۱۹ محرم ۱۲۴۱ با سجع «احمد بن عبدالله ۱۲۳۴» بوده است. بنگرید به: علی صدراپی خوبی، فهرست نسخه های خطی مدرسه نمازی خوی (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶ش)، ص ۳۸۹-۳۹۰. ابراهیم بن عبدالوهاب احسانی باید زمانی در مشهد سکونت داشته باشد، چرا که آقابزرگ (طبقات اعلام الشیعة: الروضة النضرة فی علماء المائة الحادیة عشرة، ص ۲، ۱۷۶) نسخه ای از کتاب تلخیص الاقوال را دیده که ابراهیم احسانی در مشهد و به سال ۱۰۸۵ کتابت کرده و گفته که کتابت نسخه را نخست به خواهش شیخ حر عاملی که از او به «شیخنا و مولینا» یاد کرده، آغاز کرده و سپس ادامه آن به درخواست حسین بن جمال الدین بن یوسف بن خاتون ادامه داده است. در کتابخانه آستان قدس رضوی بخشی از کتاب من لایحضره الفقیه به شماره ۱۷۹۷۶ موجود است که ابراهیم بن عبدالوهاب بن محمد احسانی شیرازی از کتابت آن در ۲۹ جمادی الاولى ۱۰۶۹ فراغت حاصل کرده که نشان از این دارد در تاریخ مذکور وی در شیراز ساکن بوده است.

۱ شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی همراه با شیخ صالح بن عبدالکریم بحرانی به شیراز رفت و بعدها به مکه و سپس در ۱۰۶۹ به حیدرآباد رفت و تا زمان مرگش در همانجا سکونت داشت. برای شرح حال وی بنگرید به: حسین وائقی، اعلام المجاورین بمكة المعظمة، ج ۱، ص ۱۰۷-۱۱۴.

۲ «هو وهب الشیخ عبدالوهاب هذا الكتاب من ابنه الشیخ ابراهیم هبة شرعية جاریة باللیللة الثالثة عشرة من شهر ربیع الثاني من سنة السبعین بعد الالف والحمد لله وكفی وسلام علی عباده الذین اصطفی وكتب العبد الضعیف جعفر بن کمال الدین البحرانی فی بلدة حیدرآباد وهو عندي علی وجه العاریة». بر روی عبارت اخیر خط کشیده شده که باید به این دلیل باشد که شیخ جعفر بحرانی نسخه را به نزد صاحبش بازگردانده است.

۳ برای شرح حال عبدالوهاب بن محمد بن عبدالوهاب احسانی بنگرید به: حسین وائقی، اعلام المدينة المنورة من بنی شدقم و غیرهم، ص ۱۹۵-۱۹۷.



البحرانی اصلاً و الاحسانی مولدا و منشأ) معرفی کرده است. تعبیر اخیر نشان از این دارد که خانواده وی که اهل جزیره اُوال بوده اند پیش از تولدش به احساء مهاجرت کرده اند.^۱ در پی فرار جمعه بن رحال از خاندان آل رحال از احساء به اُوال، فرمانی به تاریخ ۵ صفر ۹۸۰ صادر شد که بر اساس آن دستور به مصادره تمام املاک او داده شده بود. شاعر نامور قطیفی ابوجعفر خطی نیز در سال ۱۰۰۰ به اُوال مهاجرت کرد و در دیوان اشعارش اطلاعات و اشاراتی به خاندان های قطیفی مهاجر به اُوال نیز آورده است از جمله مطالبی در خصوص عبدالله بن ناصر بن حسین آل مقلد قطیفی (متوفی ۱۰۰۱) که در سال ۹۹۹ رهبری قیامی علیه عثمانی ها را داشت و مجبور شد تا به اُوال بگریزد. او اندکی بعد در بلاد القدیم درگذشت و جنازه اش در قبرستان مشهور ابو عنبره در کنار مسجد خمیس به خاک سپرده شد.^۲ جزیره اُوال تحت سیطره حکام هرمز و خراج گزار پرتغالیها بود. مهاجرت به اُوال به دلیل اوضاع اقتصادی خوب جزیره اُوال در میان خاندان های احسانی و قیظی بیشتر نیز سابقه داشت چنانکه از میان خاندان های شیعی مشهور احساء که در قرن نهم به اُوال مهاجرت کرده می توان به خاندان سید ماجد صادقی بحرانی (متوفی ۱۰۲۸) اشاره کرد.^۳

یحیی بن حسین بن عشیره سلمابادی و مهاجرت به ایران

عالمان مهاجر اُوالی که برخی از آنها از جمله شاگردان محقق کرکی بوده اند، در برخی از شهرهای ایران سکونت گزیده، از یکسو مورد توجه صفویه بوده و از سوی دیگر روابط خوبی نیز با اعیان و اشراف محلی داشته اند. مسائل مورد اشاره درباره عالمی از جزیره اُوال به نام

۱ رساله های دیگر آمده در این مجموعه تاریخ های کتابت متفاوتی دارند و ظاهراً یکی از مالکین نسخه، این چهار رساله را کنار هم صحافی کرده باشد. برای گزارشی از این مجموعه بنگرید به: عبدالحسین حائری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸ش)، ج ۲۳، بخش دوم، ص ۶۴۰-۶۴۴.

۲ جعفر بن محمد خطی (متوفی ۱۰۲۸) اشعاری در مرثیه ابن مقلد سروده و اشاراتی به تلاش های او علیه عثمانی ها نیز آورده است. بنگرید به: جعفر بن محمد خطی قطیفی، دیوان ابی البحر الخطی، تحقیق عدنان السید محمد العوامی (بیروت: الانتشار العربی، ۲۰۰۵)، ج ۱، ص ۲۶۸-۲۷۴. سنگ قبر ابن مقلد در سالیان اخیر در پی حفاری های انجام شده در قبرستان ابو عنبره بدست آمده است.

۳ درباره سید ماجد بحرانی که از سادات احسانی مهاجر به اُوال و سپس به ایران بوده، بنگرید به: سید علی باقر موسی، «السید ماجد البحرانی»، الساحل، العدد التاسع والعشرون، السنة العاشرة، ربيع ۲۰۱۶، ص ۱۷۳-۱۹۵.

یحیی بن حسین بن عشیره بحرانی سلمابادی (زنده در ۹۷۹) به نحو مدلی قابل مشاهده است. تاریخ مهاجرت و اقامت وی در ایران به درستی دانسته نیست و تنها بر اساس برخی نسخه های خطی که کتابت کرده دانسته است که پیش از ۹۵۹ در ایران و شهر یزد اقامت گزیده است، هر چند تاریخ مهاجرت او به ایران باید پیش از این تاریخ بوده باشد. وی بعد از درگذشت استادش حسین بن مفلح صیمیری در روستای سلماباد جزیره اُوال به نجف رفته بوده و در حلقه شاگردان محقق کرکی بود. او در ۹۴۹ شرحی بر رساله الجعفریة محقق کرکی نوشته که نسخه اصل و به خط وی در کتابخانه عتبه عباسیه به شماره ۱۴۶ موجود است. به احتمال بسیار وی باید بعد از درگذشت استادش محقق کرکی در ۹۴۰ و اندکی بعد از آن اشغال عراق عرب توسط عثمانی به ایران مهاجرت کرده باشد.

شهرت سلمابادی وی دلالت بر این دارد که او باید اهل همین روستا در جزیره اُوال بوده باشد. روزگار نخست زندگی او در روستای سلماباد، مصادف با حیات عالم امامی مشهور ساکن در همان روستا نصیر الدین حسین بن مفلح بن حسن صیمیری (متوفی ۹۳۳) بوده و شیخ یحیی بن عشیره بحرانی در اثر کوتاه خود در شرح حال نگاری عالمان امامی که با عنوان رساله فی مشایخ الشیعة منتشر شده و با نام های دیگری هم شناخته می شود، تصریح کرده که مدتی بیش از سی سال نزد او شاگردی کرده است.^۲

همچنین در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۴۷۵۱ مجلد نخست کتاب شرائع الاسلام محقق حلی موجود است، که از حیث دست خط بسیار شبیه خط یحیی بن عشیره بحرانی است که پیش از ۹۰۶ کتابت شده است. نسخه را فردی که باید به احتمال بسیار همان

۱ در کتابخانه وزیری یزد به شماره ۵۹۹ مجلدی از تفسیر مجمع البیان موجود است که یحیی بن حسین بن عشیره بحرانی از کتابت آن در اول محرم ۹۵۶ فراغت حاصل کرده اما اشاره ای به مکان کتابت نسخه نکرده است (وافق الفراغ من انتساح هذا الكتاب علی ید اقل خلق الله تعالی یحیی بن حسین بن عشیره البحرانی عفی الله عنه ووالدیه واشیاءه واخوانه فی الله والمؤمنین والمؤمنات وذلك فی مفتتح شهر الحرام سنة ۹۵۹ هجرية وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين). برای گزارشی از این نسخه و تصویر انجامة آن بنگرید به: محمد شیروانی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه وزیری یزد، ج ۲، ص ۵۰۴-۵۰۶.

۲ افندی در ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۷۸-۱۷۹ شرح حال حسین بن مفلح را بر اساس مطالب یحیی بن عشیره در رساله مشایخ الشیعه و برخی آثاری که وی نزد استادش خوانده، آورده است. افندی (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۷۸) به شاگردی یحیی بن عشیره نزد ابن مفلح اشاره کرده و نوشته است: «وکان له تلمیذ فاضل وهو الشیخ یونس المقتی باصفهان» که این عبارت اگر خطا در قرائت نسخه نباشد باید چنین باشد: «وهو الشیخ یحیی المقتی بیزد».



یحیی بن عشیره باشد بر حسین بن مفلح بن حسن خواننده و گواهی انهاء نسخه توسط او در پایان مجلد اول آمده است. متأسفانه حسین بن مفلح صیمری به نام فردی که نسخه را نزدش خوانده اشاره نکرده، اما در تاریخ مذکور یحیی بن عشیره بحرانی نزد وی به تلمذ مشغول بوده و به احتمال بسیار شخص مورد نظر باید نیز همو باشد.^۱

یحیی بن حسین بن عشیره بحرانی نیز بعد از درگذشت استادش در آغاز محرم ۹۳۳ در روستای سلماباد، به نجف مهاجرت کرده و نزد محقق کرکی به تحصیلات خود ادامه داده است. افندی نسخه ای از کتاب نضد القواعد فاضل مقداد سیوری را دیده که یحیی بن حسین بن عشیره در سال ۹۲۶ نزد ابن مفلح خواننده و اجازه روایت دریافت کرده است.^۲

در کتابخانه مجلس مجموعه‌ای به شماره ۸۲۰۷ مشتمل بر تهذیب الوصول و مبادی الوصول علامه حلی موجود است که یحیی بن عشیره بحرانی در ۹۵۹ کتابت کرده است. وی در انجامه های هر دو کتاب نکات خوبی را متذکر شده است. او در انجامه تهذیب الوصول اشاره کرده که کتابت نسخه را در یزد و در خانه شاه نعمة الله باقی بن عبدالباقی به پایان رسانده و در اشاره به این مطلب در انجامه نسخه چنین نوشته است:

«تمّ هذا الكتاب الموسوم بتهذیب الوصول الی علم الاصول علی ید مالکة اقل الخلق عبده یحیی بن حسین بن عشیره ابن ناصر البحرانی عفی الله عنهم جميعا وذلك بمدينة یزد فی بیت الشاه نعمة الله الباقي ابن عبدالباقی خلد الله دولته الی قیام المهدي فی سنة ۹۵۹ هجرية مصطفوية».

رساله دوم مبادی الاصول است که باز در یزد و در همان سال کتابت شده است. در انجامه نسخه اخیر یحیی بن عشیره بحرانی چنین نوشته است:

«وافق الفراغ من نسخ هذا الكتاب وهو مبادي الوصول ظهر سادس رمضان من سنة ۹۵۹ کاتبه لنفسه یحیی بن حسین بن عشیره البحرانی عفی الله عنهم اجمعین وذلك بمدينة یزد».^۳

۱ «انها ایده الله قراءة وبحثاً فی مجالس متعددة آخرها يوم الحادي والعشرين من جمادی الاولى سنة ست وتسعمائة هجرية وکتب حسین بن مفلح بن حسن». تصویری از انجامه جلد اول در مجلد ۳۷ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی در صفحه ۸۳۹ آمده است.

۲ در کتابخانه ملک مجموعه شماره ۲۱۴۷ مشتمل بر شماری از آثار حسین بن مفلح صیمری است که یحیی بن حسین بن حسن بن ناصر عشیره سلمابادی در سال ۹۰۹ از روی نسخه های اصل استادش در همان روستای سلماباد کتابت کرده است. برای گزارش از این مجموعه بنگرید به: محمد باقر حجتی و احمد منزوی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۵، ص ۴۳۳-۴۳۸.

۳ در حاشیه این نسخه بلاغ مقابله نسخه نیز توسط یحیی بن عشیره بحرانی نوشته شده است (بلغ مقابله فی تاسع

وی بخشی از کتاب تحریر الاحکام را در سال ۹۵۷ کتابت کرده است که نسخهٔ اخیر به شماره ۱۲۷۹ در کتابخانهٔ آیت الله مرعشی موجود و در انجامهٔ نسخهٔ اخیر آمده است:

«..تمَّ الجزء الثاني من التحرير الشريعة وهو النصف ويتلوه ان شاء الله تعالى الجزء الثالث اوله كتاب النكاح والحمد لله وحده وصلى الله على من لا نبي بعده محمد وآله وحده، وافق الفراغ من كتابته حادي عشر من شهر شوال المبارك من سنة سبع وخمسين وتسعمائة على يد مالكة اقل خلق الله تعالى عملاً الغري في غفران ربه املأ يحيى بن حسين بن عشيرة بن ناصر البحراني الآولي الموالي عفى الله عنه وعن والديه واجداده ومشايخه آمين رب العالمين».

نکتهٔ جالب توجه آن است که در نسخه بحرانی گفته که نسخه را از ثلث شاه نعمت الله بن عبدالباقی در یزد کتابت کرده است. در حاشیهٔ نسخه بحرانی به محل کتابت نسخه یعنی شهر یزد و مقابلهٔ نسخه با نسخه ای کتابت شده در ۹۴۰ نیز اشاره کرده و چنین نوشته است: «...صحیحة في شهر ربيع الاول سنة ۹۴۰ هجرية وكتبت مالكة مصححة العبد يحيى بن حسين البحراني عفى الله عنهما وذلك بمدينة يزد من عراق العجم».

یحیی بن عشیره ارتباط خود با زادگاهش روستای سلمآباد را حفظ کرده است. وی بخشی از کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق اشاره کرد که به شماره ۱۰۴۸۹ در کتابخانهٔ آیت الله مرعشی موجود است و در پایان جزء دوم کتاب آمده است:

«تم الجزء الثاني من كتاب من لا يحضره الفقيه تصنيف الشيخ السعيد ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي قدس الله روحه ونور ضريحه قد فرغ من تسويد بياضه العبد الفقير الى اجزال رحمة ربه القدير يحيى بن حسين بن عشيرة بن ناصر الاحمد البحراني النازل بقرية سلماباد وذلك عصر الثلثاء رابع شوال سنة ۹۷۹»^۱.

وی رساله ای در شرح حال عالمان شیعه نگاشته که آخرین فرد مذکور در آن رساله شهید ثانی متوفی ۹۶۵ است که نشان از این دارد، آن را بعد از این تاریخ نوشته است. در کتابخانهٔ ملک نسخه ای از کتاب المنسک الكبير شهید اول وجود دارد که یحیی بن حسین بن عشیره

شوال من السنة المذكورة).

۱ دربارهٔ سلماباد بنگرید به: عبدالخالق بن عبدالجلیل الجنبی، تاریخ التشیع لأهل البيت فی إقليم البحرين القديم، ص ۱۶۶-۱۶۷).

در ۲۷ جمادی الثانی ۹۰۸ کتابت کرده و در آنجا به شهرت سلمابادی خود اشاره کرده و نوشته است:

«فرغت من نساخة هذا المنسک يوم سابع والعشرين جمادی الثاني احد شهر سنة ثمان وتسعمائة کاتبها مالکها یحیی بن حسین بن عشیره بن ناصر السلمابادی غفر الله له ولوالديه والمؤمنین والمؤمنات انه غفور رحیم»^۱.

سلیمان بن منصور هجری: عالمی احسائی در مشهد به روزگار شاه طهماسب

عالمی احسائی به نام سلیمان بن منصور بن راشد بن ناصر بن حسین بن ناصر هجری مضر^۲ را می شناسیم که در سال ۹۸۱ در مشهد حضور داشته است. او در مدت اقامت خود در مشهد به کتابت برخی آثار شیعی پرداخته و ظاهراً آنها را به عنوان رهاورد سفر خود به ایران، به زادگاهش برده است. از جمله آثاری که او در مشهد کتابت کرده، دو نسخه خطی را می شناسیم؛ نخست نسخه شماره ۱۹۰۵۵ کتابخانه مجلس که نسخه ای از کتاب المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الألفية شهید ثانی است که از کتابت آن در روز شنبه چهارم ربیع الاول ۹۸۱ در مشهد فراغت حاصل کرده است. مطالبی که سلیمان بن منصور هجری در انجامه نسخه خود آورده، نشان از این دارد که چرا او نسخه اخیر را در مشهد برای خود کتابت کرده است. انجامه نسخه المقاصد العلیة چنین است:

«هكذا صورة خطه أدام الله ظله على العالمين وجعلنا الله من المتتبعين لآثاره والمهتدين بأنواره والعالمين العاملین بأقواله وأفعاله بمحمد وآله إنه جواد کریم.

تمّ علی ید فقیره ومسکینه واللائذ بحضرتہ العائذ بعفوه من سخطه الحانی الجانی سلیمان بن منصور بن راشد بن ناصر بن حسین بن ناصر الهجری المضری ضحی يوم السبت رابع ربیع الأول

۱ برای شرح حال یحیی بن عشیره که به یحیی مفتی بحرانی نیز شهرت دارد بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۴۳-۳۴۵، ۳۸۰. افندی (ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۴۴) اجازه محقق کرکی به یحیی بن عشیره که در سال ۹۳۲ داده را دیده است.

۲ شهرت مضر^۲ اشاره به مکان سکونت او در احساء، یعنی محله مضر یکی از محله های شهر قاره، در شمال دژ مشقر است. محله اخیر یکی از محله های کهن شهر قاره است که عالم ناموری چون احمد بن محمد بن فهد مضر قاری احسائی (زنده در ۸۰۶) به آن منسوب است. محله مذکور تا میانه قرن سیزدهم وجود داشته است. با تشکر از استاد احمد بدر برای تذکر این مطلب.



سنة إحدى وثمانين وتسعمائة والحمد لله رب العالمين ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم في مشهد المشرف الرضوي على مشرفه التحية والسلام»^۱.

سليمان هجري دستكم تا اواخر رجب ۹۸۱ همچنان در مشهد بوده است و احتمالاً پس از اين تاريخ به زادگاهش احساء بازگشته باشد. در شب سه شنبه ۲۸ رجب ۹۸۱، او در مشهد از كتابت نسخه ای از كتاب ارشاد الأذهان علامه حلی فراغت حاصل کرده و در انجامه نسخه اخير خود را به عنوان فردی که خانه و زندگيش در احساء می باشد، معرفی کرده که نشانگر آن است او قصد بازگشت به زادگاهش در شهر قاره^۲ یعنی محله مضر داشته است. انجامه نسخه اخير چنین است:

«... وكان الفراغ من تسويده ضحی يوم الثامن والعشرين من رجب سنة إحدى وثمانون وتسعمائة هجرية في المشهد المقدس الرضوي على مشرفه التحية والسلام على يد صاحبه أقل عباد الله وأحوجهم إليه سليمان بن منصور بن راشد بن ناصر بن حسين الساكن بلدة الأحساء المحروسة والله الموفق»^۳.

سليمان هجري در کنار انجامه از تصحيح نسخه در روز جمعه اول شعبان ۹۸۱ سخن گفته، اما اشاره ای به مكان انجام تصحيح نسخه نکرده، اما محتملاً است که او همچنان در مشهد بوده و در سال بعد یعنی ۹۸۲ به زادگاهش در احساء بازگشته باشد.^۴

۱ برای گزارشی از این نسخه بنگرید به: محمود نظری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳ش)، ج ۵۲، ص ۱۱۲. درباره تصدی مقام شیخ الاسلامی حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی در ایران به نحو عام بنگرید به: Devin J. Stewart, "The first Shaykh al-Islam of the Safavid capital Qazvin," Journal of the American Oriental Society, 116 iii, 1996, pp.387-405.

۲ درباره شهر قاره بنگرید به: عبدالخالق بن عبدالجلیل جنبی، تاريخ التشيع لأهل البيت في اقليم البحرين القديم، ص ۶۶-۶۷. از دیگر عالمان احسانی ساکن در محله مضر روستای قاره، می توان به شهاب الدین احمد بن فهد بن ادريس مضرى احسانی اشاره کرد (بنگرید به: افندی، رياض العلماء، ج ۱، ص ۱۹۷).

۳ برای گزارشی از نسخه و صفحه انجام آن بنگرید به: سيد جعفر حسینی اشكوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار، دفتر دوم، ص ۴۳۱-۴۳۲. نام کاتب در نسخه کمی مشوش است و باعث شده تا به جای سليمان توسط فهرستنگار محترم، سالم خوانده شود: سالم بن منصور بن راشد بن ناصر بن حسين. این اشکال به فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۳، ص ۴۰ نیز راه یافته است.

۴ توجه به این شخصیت احسانی حاصل تفتن دوست گرامی استاد محمد علی حرز است که در نگارش مطلب اخير از یادداشت مکتوب ایشان درباره سليمان هجري بهره برده ام.



محمد بن منصور صائغ احسائی از عالمان مهاجر به ایران در عصر صفویه

بر اساس تملکات و مطالبی که در این نسخه‌ها آمده، می‌توان به تحقیق درباره‌ی خاندان‌های مهاجر احسائی، قطیفی و اوالی به ایران پرداخت و از سوی دیگر این دسته اطلاعات، منابعی مهم برای شناخت عالمان بحرین قدیم هستند. مرکزیت علمی یافتن شهرهای چون قزوین و اصفهان در عصر صفویه و حضور عالمان نامور امامی پرآوازه‌ای چون شیخ بهایی (متوفی ۱۰۳۰)، میر داماد (متوفی ۱۰۴۱) و کسان دیگر و وجود مدارس مختلف در شهر اصفهان که از نظر مالی با موقوفات گسترده‌ای که دربار صفویه برای مدارس قرار داده بود، به مهاجرت عالمان شیعه از بحرین قدیم (احساء، قطیف و اوال) به ایران منجر شده است.^۱

اطلاع درباره‌ی این جریان و اهمیت آن بسیار اندک است و منبع اصلی ما برای فهم جریان اخیر، نسخه‌های خطی کتابت شده توسط عالمان مهاجر بحرینی به ایران است. از این دسته عالمان می‌توان به محمد بن منصور بن ناصر بن وحید صائغ احسائی اشاره کرد که در دوران شاه عباس (متوفی ۱۰۳۸) به ایران مهاجرت کرده و در اصفهان سکنی گزیده است. او در دوران اقامتش با عالمان برجسته روزگار خود، چون شیخ بهایی، شیخ لطف الله عاملی و میر داماد ارتباط داشته است.

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۷۰۷۹ مجموعه‌ای موجود است که محمد بن منصور در دوران اقامت خود در اصفهان کتابت کرده است. مجموعه اخیر از چند جهات اهمیت دارد، نخست نشان دادن روابط عالمان مهاجر با عالمان برجسته امامی اصفهان است. محمد بن منصور احسائی در اصفهان با عالم برجسته عاملی شیخ لطف الله میسی روابط نزدیکی داشت. نسخه‌ای از کتاب جامع المقاصد محقق کرکی در دست است که در شام شب ۲۴ ذی القعدة ۱۰۲۳ محمد بن منصور کتابت آن را به جهت کتابخانه شیخ لطف الله عاملی به پایان برده است.^۲ او در صفحه عنوان نسخه به آثار کتابت شده در مجموعه خود اشاره کرده و نوشته است:

۱ موقوفات تنها در شهر اصفهان نبود و در سراسر قلمرو صفویه امراء و اعیان دیگر با ساخت مدارس و وقف املاک قابل توجهی، حمایت از عالمان امامی را وجهه همت خود قرار داده بودند. موقوفات تنها برای مدارس نبود و گاهی برای برخی مراسم شیعی و آیین‌های عبادی نیز موقوفات صورت گرفته است.

۲ بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، «کتابخانه آیه الله رضوی در کاشان»، نسخه‌های خطی: نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، دفتر هفتم، تهران ۱۳۵۳ش)، ص ۳۳-۳۴.

«فهرست ما في هذه المجموعة؛ إثنا عشريات ثلاث في الصلوة والصوم والحج من تصانيف شيخ الإسلام والمسلمين، الشيخ بهاء الملة والدين محمد بن الحسين بن عبدالصمد الحارثي الهمداني العاملي حفظه الله منسك الشيخ زين الدين عليه الرحمة؛ منسك الشيخ علي بن عبدالعالي رضوان الله عليه؛ منسك السيد حسين بن حسن العاملي ره؛ مصباح المبتدي لابن فهد رحمه الله».

اشاره او به كتابت سه اثر از آثار بسيار مشهور و درسی شیخ بهایی (متوفی ۱۰۳۰) دلالت بر این دارد که محمد بن منصور احسائی در درس شیخ بهایی شرکت داشته و آثار اخیر را به جهت حضور در درس شیخ بهایی کتابت کرده و در سراسر سه کتاب اخیر، حواشی متعددی از حضور خود در مجلس شیخ بهایی در نسخه خود ثبت کرده که با عبارت «منه» مورد اشاره قرار گرفته است. نکته دیگر چند یادداشت از محمد بن منصور احسائی بر نسخه است که یکی از آنها تعبیر او از شاه عباس است؛ او در یادداشت تملک خود بر نسخه اشاره ای به شاه عباس کرده و نوشته است:

«کتب هذه المجموعة بيده الفانية المقصر الفقير محمد بن منصور للחסائي في المعمورة اصفهان في زمان الملك العادل، سلالة المختار و حيدر الكرار، الشاه عباس الحسيني أدام الله أيام دولته آمين آمين قريب من المسجد الجامع الكبير سنة الرابعة والعشرين بعد الألف من الهجرة النبوية وصلى الله على محمد وآله».

شاهد دیگری در اینکه محمد بن منصور صائغ احسائی از حلقه شاگردان شیخ بهائی بوده، نسخه ای از کتاب زبدة الاصول تألیف شیخ بهایی به شماره ۵۹۰۰ در کتابخانه آیت الله مرعشی است. نسخه را فردی به نام ابراهیم بن خلیل الله زاهدی در ۱۰۲۴ کتابت کرده است. سپس شیخ بهایی از محمد بن منصور صائغ خواسته تا حواشی وی بر زبدة الاصول را در کنار نسخه اخیر کتابت کند. محمد بن منصور نیز درکمال دقت و با خطی بسیار خوانا تمام حواشی شیخ بهائی در مجالس درسش را در حاشیه های این نسخه کتابت کرده و در آخر نسخه در اشاره به اینکه حواشی کتابت شده بر نسخه به درخواست شیخ بهایی و نسخه از جمله کتابهای کتابخانه شیخ بهایی می باشد، در انجامه خود چنین نوشته است:

«...وتمت الحواشي الميمونة رقمه قلم الفقير تراب اقدم الاثني عشرية محمد بن منصور الصائغ الاحسائي برسم خزانة مؤلفها ومؤلف المتن المشهور في المشارق والمغرب بالفضل والعلم، شيخ الاسلام والمسلمين، وارث علوم الانبياء والمرسلين، خاتم المجتهدين، شيخنا بهاء الملة والدنيا والدين محمد بن الحسين بن عبدالصمد الحارثي الهمداني، آدم الله وجوده وكثر في علماء الدين أمثاله، هيهات أن يأتي الزمان بمثله، إن الزمان بمثله بجحيل وكان الفراغ يوم السبت الثالث والعشرين من شهر جمادي الاولى سنة ١٠٢٤ والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين».

محمد بن منصور احسائي در اصفهان با عالم برجسته عاملي شيخ لطف الله ميسي روابط نزديكي داشت. نسخه اي از كتاب جامع المقاصد محقق كركي در دست است كه در شام شب شنبه ٢٤ ذى القعدة ١٠٢٣ محمد بن منصور كتابت آن را به جهت كتابخانه شيخ لطف الله عاملي به پايان برده است.^١ از ديگر آثاري كه محمد بن منصور بن ناصر احسائي كتابت کرده، نسخه‌اي از كتاب الدروس الشرعية شهيد اول است كه به شماره ٨٧٢٠ در كتابخانه مركزي دانشگاه تهران موجود است. محمد بن منصور احسائي از كتابت نسخه اخير در روز دوشنبه ٢٥ رجب ١٠٣٦ فراغت حاصل کرده است. او در خصوص نسخه اساس كتابت خود متذكر شده كه نسخه‌اي كتابت شده توسط فرزند بزرگ شهيد اول به نام رضی الدين ابوطالب محمد جزيني^٢ بوده كه براي سومين بار در قاعة ميدانيه در روز دوشنبه پايان محرم سال ٧٨١ آن را كتابت کرده است، يعنى در زمان حيات پدرش شهيد اول (متوفى ٧٨٦).^٣ قاعة يكي از محلات محله ميدانيه، از محلات دمشق است.

١ بنگريد به: محمد تقى دانش پژوه، «كتابخانه آية الله رضوى در كاشان»، نسخه هاى خطى: نشرية كتابخانه مركزي و مركز اسناد دانشگاه تهران، دفتر هفتم، تهران ١٣٥٣ش)، ص ٣٣-٣٤.

٢ براى شرح حال رضی الدين ابوطالب محمد بن محمد بن مكى جزينى بنگريد به: افندى، رياض العلماء، ج ٥، ص ١٧٩-١٨٠.

٣ نام كاتب در فهرست كتابخانه مركزي دانشگاه تهران به صورت محمد بن منصور بن ناصر بن على ناصر آمده (محمد تقى دانش پژوه، فهرست نسخه هاى خطى كتابخانه مركزي و مركز اسناد دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ١٣٦٤ش)، ج ١٧، ص ٢٠٣) كه ظاهراً ناشى از بدخوانى است و صورت صحيح آن كما اينكه در نسخه الشرائع كتابت شده توسط همين كاتب در كتابخانه آيت الله گلپايگانى به تاريخ رمضان المبارک ١٠٤٥ آمده بايد محمد بن منصور بن ناصر بن على بن وحيد باشد. بنگريد به: على صدرابى خويى و ابوالفضل حافظيان بابلى، فهرست نسخه هاى خطى كتابخانه عمومى آية الله گلپايگانى (قم) (تهران: كتابخانه، موزه و مركز اسناد مجلس شورى اسلامى، ١٣٨٨ش)، ج ٥، ص ٢٣٨٥.



اشاره آمده در نسخه اساس کتابت محمد بن منصور احسائی توسط محمد بن محمد بن مکی که کتاب الدروس الشرعية را سه بار کتابت کرده نیز جالب توجه است. درباره شهید اول دانسته است که اواخر عمرش ظاهراً در دمشق اقامت داشته و در همان ایام بود که برای در امان بودن از خطرات احتمالی از ابن جزری (متوفی ۸۳۳) عالم شافعی نامور دمشقی به شکل مکتوب درخواست اجازه کرده بود و در آن اجازه خود را شافعی معرفی کرده بود.^۱

در کتابخانه شیخ بهایی شماری از آثار کهن امامیه که عالمان بحرین قدیم کتابت کرده اند، موجود است. آثار کتابت شده توسط عالمان بحرین قدیم از حیث کتابت و دقت کاتبان آنها که عموماً خود از علماء بوده اند، مورد توجه بوده است. ابراهیم بن حسن کتابت کرده، نسخه ای از کتاب نهایی الاحکام فی معرفة الاحکام علامه حلی است که به شماره ۱۹۲۸ در کتابخانه ملک موجود است و مشتمل بر کتاب طهارت تا بیع است. تاریخ فراغت از کتابت نسخه شنبه دهم صفر ۸۸۳ ذکر شده است. در فهرست کتابخانه ملک (ج ۱، ص ۷۸۰) و از آنجا در فنخا (ج ۳۳، ص ۸۷۷)، نام وی به خط ابراهیم بن حسن دراق آمده است در حالی که مراجعه به نسخه نشانگر آن است که نام صحیح او ابراهیم بن حسن دراق است. ابراهیم بن حسن دراق در انجامه نسخه نهایی الاحکام کتابخانه ملک نکته مهمی را آورده و از سفر خود به عینا و کتابت نسخه در آنجا سخن گفته است. عبارت اخیر نشانگر اهمیت علمی جبل عامل در آن روزگار است. ابراهیم دراق در انجامه نهایی الاحکام در اشاره به مکان کتابت نسخه توسط خود نوشته است:

«... فرغ من کتابته العبد المذنب الفقير إلى الغني الرازق ابراهيم بن حسن الدراق يسر الله الانتفاع به ويسائر العلوم الدينية بمحمد وآله وكان ذلك عصر يوم السبت لعشرين خلت من شهر صفر لسنة ثلاث وثمانين وثمانمئة هجرية بقرية عینا من الشام والحمد لله وحده».^۲

در برگ های آغازین نسخه عبارتی دال بر وقف نسخه آمده که متن آن چنین است:

۱ بنگرید به: محمد بن محمد مشهور به ابن جزری، غایة النهاية فی طبقات القراء، ج ۲، ص ۲۶۵. ابن جزری (همانجا) از اقامت شهید اول در دمشق برای مدت طولانی سخن گفته و با شهید مراد نیز داشته است: (صحبتی مدة مدیده، فلم أسمع منه ما يخالف السنة).

۲ با تشکر از دوست گرامی قیس العطار برای قرائت کامل متن.

«وان المجموع انتهى زمان الصالح العالم من غده وقفه علي بن جعفر بن عبدالله بن منصور، في العشر الاخرى من الفطر الاول من سنة عشر وتسعمائة وصلى الله على محمد وآله».

قرائت بخش آغازین اخیر به دشواری صورت گرفت و به لطف فاضل ارجمند ارکان رفیق المنهلای عبارت تقریباً محو شده در حاشیه نسخه خوانده شد. علی بن جعفر که نامش در اینجا آمده از مشایخ اجازه شیخ ابراهیم قطیفی است. قطیفی در اجازه خود به خلیفه شاه محمود در بیان طرق خود نخست از جماعتی از ثقات نام برده و نوشته است:

«...رویت عن جماعة ثقات أوثقهم شيخي إبراهيم بن الحسن الدراق [در متن چاپ شده بحار، به الدراق تصحیف شده است] مشافهة وعن جماعة عنه أوثقهم الشيخ علي بن جعفر بن أبي سميط عن الشيخ إبراهيم بن الحسن الدراق عن الشيخ الأجل علي بن هلال...»^۱

نسخه نهاییه الاحکام زمانی در تملک شیخ بهایی بوده و در کنار عبارت انجامه مهر گلابی شکل شیخ بهایی دال بر وقف کتابهایش بر طلبه امامیه به تولیت برادر زاده اش عبدالصمد نیز موجود است.

دوست و سرور گرامی عبدالخالق جنبی درباره شهرت دَرّاق که در نگاه نخست ممکن است ذهن را به «فاکهة الدراق» ببرد، متذکر شدند:

«لا أرى أن الدراق هنا هي نسبة إلى بائع الدراق، فأهل القطيف لا يسمون فاكهة الدراق بهذا الاسم، وإنما يطلقون عليه اسم الخوخ عامة أو العُوج لبعض أنواعه. وأما الدراق الواردة في نسب هذا الناسخ، فالأقرب أنها مأخوذة من الدَّرَق، وهو ضرب من الدروع المصنوعة من الجلود؛ الواحدة دَرَقَة، ويقال لصانعها دَرَّاق. وقد اشتهرت القطيف بصناعة آلة الحرب من القديم الزمان، ومن ذلك الفنا الخطي، والرمح الرديني».

چند نسخه خطی که ابراهیم بن حسن دراق کتابت کرده باقی مانده که برای فهم علت شهرت او به دراق می تواند به ما کمک کند. وی از جمله ساکنان قطیف بوده است و به این نکته در نسخه ایضاح علامه حلی که خود کتابت کرده و به شماره ۴۲۲۸/۲ (برگ های ۹۳-۱۱۹پ) موجود در کتابخانه مرکز احیاء، اشاره نموده است. تاریخ فراغت از کتابت

۱ بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۸۷.



نسخه الايضاح دهم جمادی الاولى ۹۰۴ ذکر شده است. ابراهیم بن حسن اشاره کرده که نسخه را برای خود کتابت کرده و در انجامه نوشته است:

«... و فرغ منه لنفسه ابراهیم بن الحسن الدراق ليلة الإثنين من شهر جمادى الأول عاشره من سنة أربع وتسعمائة هجرية بالقطفيف حماها المغيث اللطيف بمحمد وآله».

در کتابخانه مدرسه علمیه امام عصر شیراز به شماره ۱۴۳ نسخه ای از کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی موجود است که از ابتدای کتاب الصوم تا آخر کتاب التجارة است و توسط افراد مختلفی کتابت شده است. فراغت از کتاب حج در روز جمعه شعبان ۸۹۱ ذکر شده و کاتب خود را علی بن حسن بن ابراهیم دراق معرفی کرده است که محتملاً فرزند حسن بن ابراهیم دراق مورد بحث باشد. کتاب لقطه را شخصی دیگر به نام یحیی بن علی بن ابراهیم بن علی الاشرم کتابت کرده است. کتاب در تملک احمد بن عبدالله بن منصور بن حسن بن عبدالمحسن در قرن نهم بوده و بعدها نسخه در تملک علی بن حسین بن محمد بن یوسف بلادی اوالی به سال ۱۱۹۳ و سید محمد بن سید عبدالنبی بن سید علی بوده که گواه تملک او را شخصی به نام حسین بن علی بحرانی به سال ۱۲۱۳ نوشته است.^۱

در کتابخانه دانشگاه لوس انجلس به شماره M1۰۶۱ موجود است که کاتب آنها شخصی به نام عطاء الله بن امیر السلام است و مشتمل بر دو کتاب کنز العرفان فی فقه القرآن فاضل مقداد سیوری (نستعلیق نیمه روز شنبه ۲۰ ذی القعدة ۹۶۷) و معدن العرفان فی فقه مجمع البیان لعلوم القرآن تألیف ابراهیم بن حسن دراق است. عطاء الله بن امیر سلام از کتابت کتاب اخیر در روز سه شنبه ۱۷ جمادی الثانی ۹۶۷ فراغت حاصل کرده است. کتاب معدن العرفان در یک مقدمه دارای شش فن است و سپس به ترتیب ابواب فقهی از کتاب الطهارة تا کتاب الجنایات نگاشته شده و نسخه حاضر که ظاهراً منحصر به فرد نیز می باشد، کامل است.^۲

۱ برای گزارشی از نسخه بنگرید به: محمد برکت، فهرست نسخه های خطی مدرسه امام عصر (عج) شیراز، ج ۱، ص ۲۴-۲۵.

۲ برای گزارشی از مجموعه اخیر بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، «فهرست نسخه های خطی عربی دانشگاه لس آنجلس»، نسخه های خطی: نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، دفتر یازدهم و دوازدهم، خرداد ماه ۱۳۶۲، ص ۷۰۸-۷۰۹؛ علی باقر موسی، «مخطوطه معدن العرفان فی فقه مجمع البیان لعلوم القرآن»، الساحل، العدد الرابع والثلاثون، السنة الحادية عشرة، صیف ۲۰۱۷، ص ۱۰۰-۱۱۱.

حاجی بن منصور احسائی دیگر عالم احسائی مهاجر به اصفهان

از دیگر عالمان احسائی مهاجر به ایران در عصر صفویه خاصه در دوران حضور شیخ بهایی و میر داماد در اصفهان، نام عالمی به نام حاجی بن منصور بن سبی / سنی بن احمد صائغ احسائی دانسته است. آنچه درباره او و پدرش منصور بن سنی احسائی می دانیم همانند بر اساس نسخه های خطی کتابت شده توسط آنها می باشد. منصور بن سنی مجموعه ای مهم از آثار فقهی، کلامی، فلسفی مشتمل بر ۱۲۹ اثر را ظاهراً برای خود میان ۱۸ رجب ۱۰۷۲ تا جمادی الثانی ۱۰۸۲ کتابت کرده که در مواردی مکان فراغت از کتابت را روستای رضی آباد اصفهان ذکر کرده است. نسخه اخیر و استنساخی دیگر از آن به شماره های ۱۸۰۵^۱ و ۴۹۰۰^۲ در کتابخانه مجلس موجود است که تشابه خط در هر دو مجموعه نشان از این دارد که منصور احسائی مذکور خود کاتب هر دو مجموعه می باشد.

منصور احسائی که در ایران اقامت داشته، نسخه ای از کتاب الناسخ و المنسوخ ابن عتائقی را برای خود کتابت کرده که بعدها از روی آن نسخه هایی استنساخ شده و به خط کتاب ابن عتائقی به او نسبت داده شده است از جمله در نسخه ۱۸۵۷۸ کتابخانه آستان قدس رضوی که تاریخ فراغت از کتابت ۱۴ شعبان ۱۰۴۵ ذکر شده است.^۳ آنچه که فهرستگار محترم را به چنین خطایی انداخته است، عبارت منصور بن سنی در انجامه است که چنین نوشته است:

«..فهذا ما اردنا ذكره، فرغ من تسويدها جامعها الفقير الى الله الغني منصور بن سني لحسابي وذلك يوم الرابع عشر من شهر شعبان سنة الف وخمس واربعون».

- ۱ مرحوم عبدالحسين حائري مجموعه ۱۸۰۵ را به تفصیل معرفی کرده اما اشاره ای به مجموعه ۴۹۰۰ کتابخانه مجلس که با مجموعه ۱۸۰۵ یکی می باشد، نکرده است. بنگرید به: عبدالحسین حائری، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۴۶ش)، ج ۹، بخش اول، ص ۳۳۱-۳۸۸.
- ۲ نسخه ۴۹۰۰ با به تفصیل مرحوم احمد منزوی معرفی کرده اما متوجه یکی بودن آن با نسخه ۱۸۰۵ کتابخانه مجلس نشده است. تفاوت های اندکی در معرفی دو مجموعه توسط هر دو مرحوم وجود دارد. بنگرید به: احمد منزوی، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۴۷ش)، ج ۱۴، ص ۵۳-۱۱۳.
- ۳ نام منصور بن سنی احسائی به خط توسط فهرستگار منصور بن سنی احسائی خوانده شده است (بنگرید به: براتعلی غلامی مقدم، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (مشهد: سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ش)، ج ۲۲، ص ۴۵۸-۴۵۹.



با این حال در معرفی نسخه تاریخ فراغت از کتابت نسخه سیزدهم ذی الحجه ۱۰۷۹ ذکر شده است. تاریخ اخیر در ضمن مجموعه ای که منصور بن سنی احسانی برای خود کتابت کرده، آمده است. برای بنده مراجعه به نسخه میسر نشد تا بتوانم درباره دو تاریخ اخیر در نسخه آستان قدس نظر بیشتری بدهم. تعبیر «جامعها» اشاره به مطلب دیگری دارد. منصور بن سنی مجموعه ای تدوین کرده که - همان نسخه ۴۹۰۰ و ۱۸۰۵ کتابخانه مجلس - که در آن رسائل و آثار مختلفی را کتابت کرده است. ظاهراً فردی که یکی از دو نسخه اخیر مجلس را در اختیار داشته، رساله الناسخ و المنسوخ را از روی آن که منصور بن سنی جامع و تدوین کننده کل مجموعه بوده، کتابت کرده است و تعبیر آمده در انجامه را حفظ کرده است. همچنین ابن عتائقی خود در نسخه اصل خود در انجامه چنین نوشته است:

«..فرغ من تسویدها جامعها عبدالرحمن بن محمد العتائقی وذلك سنة ستین وسبعمائة هجرية»^۱

سواى توجیه نخست که ذکر شد و تعبیر «جامعها» را در اشاره به تدوین مجموعه ۴۹۰۰ کتابخانه مجلس باید دانست، منصور بن سنی تعبیر ابن عتائقی در انجامه را حفظ کرده و تنها نام او را حذف کرده و از خود در ادامه مطلب یاد کرده است، چرا که وی تدوین کننده و جامعه مجموعه بوده اما این کار باعث شده تا این گمان پدید آید که وی مؤلف الناسخ و المنسوخ است. بی اطلاعی از این مطلب باعث شده تا این تصور پدید آید که وی مؤلف نسخه کتابت شده ۱۸۵۷۸ آستان قدس باشد.^۲

فرزند وی، حاجی بن منصور در بصره دیده به جهان گشود و سپس برای تحصیل علم به اصفهان سفر کرد. آقابزرگ نسخه ای از کتاب ابواب الجنان محمد بن فرج نجفی استاد حاجی بن منصور را در ضمن نسخه های خطی شیخ عبدالحسین طهرانی صاحب العراقین در کربلا دیده است. در آخر نسخه اخیر که حاجی بن منصور خود کتابت کرده، چنین آمده است:

۱ تاریخ اخیر در نسخه ۸۹۴۰/۲ کتابخانه مجلس که عبادالدین بن عبدالسمیع بن فیاض اسدی در روز جمعه ۲۵ جمادی الثانی ۹۱۷ کتابت کرده، یا نسخه ۱۲۳۳ کتابخانه مجلس آمده است، جز آنکه در معرفی نسخه اخیر شهرت ابن عتائقی به خطا توسط فهرستگار عبدالرحمن بن محمد الصایفی خوانده شده است.

۲ همچنین برای نسخه های الناسخ و المنسوخ ابن عتائقی در کتابخانه های ایران بنگرید به: فنخا، ج ۳۲، ص ۷۳۲-۷۳۳.

«کتبه بنفسه لنفسه مخلصه القاري عليه شطراً من الرسالة الأولى، حاجي بن منصور الأحسائي الأصل، البصري المولد، الاصفهاني المسكن في بلدة إصفهان ۱۰۵۹ وأنا في مرحلة الثلاث والستين من العمر»^۱.

مطلب اخير چند نکته درباره حاجی بن منصور احسائي را مشخص می کند، نخست با توجه به اشاره وی به سن خود هنگام کتابت نسخه یعنی ۶۳ سال و تاریخ کتابت نسخه در ۱۰۵۹، می توان تاریخ تولد او را ۹۹۶ دانست. همچنین او اشاره کرد که در اصلش از احساء بوده و از جمله خانواده های مهاجر به بصره بوده است و در بصره دیده به جهان گشوده است. او سپس برای تحصیل علم به اصفهان مهاجرت کرده و در همانجا سکوت گزیده است. آقابزرگ به مجموعه ای از رساله ها مختلف که حاجی بن منصور در کتابت کرده و در بعضی از آنها تاریخ فراغت از استتساخ ۱۰۵۰ ذکر شده اشاره کرده که به شماره ۲۸۸۷ در کتابخانه مدرسه سپهسالار موجود است.^۲

همانگونه که گفته شد اطلاعات موجود درباره حاجی بن منصور بر اساس نسخه های خطی کتابت شده توسط اوست. بر اساس نسخه هایی که او کتابت کرده می توانیم از روابط او با دیگر عالمان مهاجر به اصفهان در روزگارش اطلاع پیدا کنیم. عالمان مهاجر احسائي با عالمان عرب زبان مهاجر از عراق عرب و شام روابط نزدیکتری به لحاظ زبانی و فرهنگی داشته اند. در کتابخانه ملک، مجموعه ۸۰۴ مشتمل بر تعدادی رساله های مختلف است که بخشی از آنها را حاجی بن منصور صائغ احسائي، برادر محمد بن منصور صائغ که اندکی

۱ کتاب ابواب الجنان مشتمل بر هشت رساله است که محمد بن فرج حمیری نجفی در سال ۱۰۵۲ از تألیف آن فراغت حاصل کرده است (بنگرید به: آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۷۷-۷۸، ج ۸، ص ۱۶۰). نسخه به خط حاجی بن منصور در ضمن نسخه های خطی کتابخانه شیخ عبدالحسین عراقی موجود بوده و از روی همان نسخه مرحوم سید محمد صادق بحر العلوم (متوفی ۱۳۹۹)، بخشی را کتابت کرده و گزارشی از کتاب ابواب الجنان و کاتب آن حاجی بن منصور صائغ احسائي آورده است. بنگرید به: احمد علی مجید حلی، فهرس مکتبه العلامة السيد محمد صادق بحر العلوم قدس سره (قم: مؤسسه تراث الشیعة، ۱۳۸۹/۱۴۳۱ش)، ص ۱۳۹-۱۴۱.

۲ آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة: الروضة النضرة فی علماء المائة الحادیة عشرة، ص ۱۲۹-۱۳۰. برای گزارش مجموعه مورد اشاره آقابزرگ بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه و علینقی منزوی، فهرست کتابخانه سپهسالار (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش/۱۹۶۷)، ج ۴، ص ۴۰۷، ۴۲۱.



پیش از او سخن رفته، کتابت کرده است، جز آنکه در فهرست نویسی نام کاتب به شکل ناقصی منصور احسانی ذکر شده که با مراجعه به نسخه مشخص شده که نام وی در نسخه حاجی بن منصور آمده که البته به دلیل ناغریب بودن نام حاجی به عنوان اسم فرد، فهرست نگار آن را به صورت حاجی منصور احسانی خوانده است.^۱

حاجی بن حسین نخستین رسالهٔ مجموعه با عنوان التنبیهات العلیة علی وظائف الصلوة القلیبة شهید ثانی را کتابت و مقابله کرده است. بخشی از مجموعه را عطاء الله بن ابراهیم بن عذاقة برای شیخ احمد بن محمد بن بدرالدین عذاقة که پسر عمش بوده، کتابت کرده است. خاندان ابن عذاقة از بیوت نسبتاً کهن عراق عرب و ساکن در حله هستند، که اطلاعاتی دربارهٔ فعالیت علمی و حضور فرهنگی آنها از اواخر قرن نهم به بعد در دست است. شیخ حاجی بن منصور احسانی رسالهٔ صلوة الجمعة محقق کرکی را برای شیخ احمد بن عذاقة کتابت کرده است.^۲

حاجی بن منصور احسانی در ایام اقامت و تحصیل خود در اصفهان آثار چندی را کتابت کرده است که از جمله آنها می توان به معارج الاصول محقق حلی اشاره کرده که به شماره ۳۸۵۵ در کتابخانهٔ مجلس موجود است. اهمیت نسخهٔ اخیر در آن است که حاجی بن منصور در انجامهٔ نسخهٔ اخیر نام تبار و اجداد خود را به شکل کاملتری نقل کرده است. تاریخ فراغت از کتابت نسخهٔ اخیر ۲۹ رجب ۱۰۲۲ و در شهر اصفهان است. حاجی بن منصور احسانی در انجامهٔ نسخهٔ معارج الاصول چنین نوشته است:

«..تمَّ الكتاب والحمد لله بقلم علم الفقير الحقير الغریب^۳ الذلیل، تراب نعال أقدام الصالحین حاجی بن منصور بن سنی بن احمد الهجری عفی الله عنهم وكان الفراغ من کتابته عصر یوم

۱ برای گزارشی از مجموعهٔ ۸۰۴ کتابخانهٔ ملک بنگرید به: محمد باقر حجتی و احمد منزوی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک (تهران: کتابخانه ملی ملک، ۱۳۶۳ش)، ج ۵، ص ۱۸۲-۱۸۴.

۲ شیخ عطاء الله بن ابراهیم بن عذاقة برای پسر عمش احمد بن محمد بن بدرالدین عذاقة به تاریخ جمادی الاولی ۱۰۲۶ در اصفهان که برای تحصیل اقامت داشته، کتابت تحقیق جهة القبلة را به پایان رسانده است. پس از رسالهٔ اخیر نیز چند رسالهٔ بعد همچون الاراضی المندرسهٔ محقق کرکی با تاریخ فراغت از کتابت دوم جمادی الاولی ۱۰۲۶؛ العقد الطهماسی با تاریخ فراغت از کتابت جمعه ۳ رجب ۱۰۲۶؛ تطهیر الحصر و البواری با تاریخ ۹ رجب ۱۰۲۶ هر دو از حسین بن عبدالصمد عاملی و قاطعة اللجاج محقق کرکی با تاریخ فراغت ۸ شعبان ۱۰۲۶ را عطاء الله بن ابراهیم بن عذاقة کتابت کرده است.

۳ تعبیر «غریب» نشانی از علاقه مندی کاتب به زادگاهش احساء و شوق بازگشت به آنجاست.

السبت الثاني والعشرين من شهر الله الحرام رجب سنة الثانية والعشرين بعد الألف من الهجرة النبوية المصطفوية على مهاجرة أفضل التحية والسلام في دار المملكة أصفهان والسلام».

حاجی بن منصور و روابط او با عالمان برجسته اصفهان

حاجی بن منصور احسائی در اصفهان با عالمان بلند مرتبه شهر چون محمد باقر حسینی استرآبادی مشهور به میرداماد (متوفی ۱۰۴۱) که بعد از شیخ بهایی (متوفی ۱۰۳۰) بلند آوازه ترین شخصیت اصفهان بوده، پس از مرگ شیخ بهایی ارتباط داشته است و به جهت همو، نسخه ای از کتاب امالی شیخ صدوق را در ۱۰ ذی القعدة ۱۰۳۳ کتابت کرده است. او در نسخه کتابت نموده توسط خود، میرداماد را با تعبیر «مد الله ظله علی الطلبة» یاد کرده است. نسخه اخیر به شماره ۲۳۱۱ موجود است. در کتابخانه مرحوم آیت الله گلپایگانی نسخه ای از کتاب من لا یحضره الفقیه موجود است که حاجی بن منصور کتابت آن را در روز پنجشنبه دهم ربیع الآخر ۱۰۳۸ به پایان رسانده است. او در نسخه اخیر مکان کتابت نسخه را مدرسه محمود شاه اصفهان یاد کرده و در آخر کتاب الطلاق چنین نوشته است:

«... وفرغ من مَشَقَّةٍ مَشَقَّهٍ مع الجزئين اللذين قبله ... في مدرسة محمود شاه شرقي المسجد الجامع العتيق من المحروسة اصفهان ... برسم خزانه الحسيب النسيب الفاضل الكامل ميرزا محمد رحيم ... حاجي بن منصور الاحسائي اصلاً والبصري مولداً ومنشأً والاصفهاني موطناً»^۱

حاجی بن منصور فرزندی به نام احمد داشته که در شیراز سکونت داشته است. شیراز از شهرهای مورد علاقه عالمان بحرین قدیم بود و حضور پررنگی نیز در آنجا داشتند. حضور سید ماجد بن هاشم صادقی حسینی احسائی بحرانی (متوفی ۱۰۲۸) در شیراز رونق خاصی به این شهر داده بود و عالمان اولی فراوانی در همین دوران برای درک محضر او به شیراز سفر کرده بودند. مطلب چندانی درباره احمد بن حاجی احسائی جز آنکه در ربیع الاول ۱۰۷۵ از کتابت نسخه ای از کتاب شرح الکافیة رضی الدین محمد بن حسن استرآبادی (متوفی

۱ بنگرید به: علی صدرایی خویی و ابوالفضل حافظیان، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی آیه الله گلپایگانی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش)، ج ۷-۸، ص ۴۶۵۵.



۶۸۶) و در هشتم ذی الحجة ۱۰۸۹ از کتابت بخش اصول الکافی و در ۸ محرم ۱۰۹۰ از استنساخ دیگر بخش های آن فراغت حاصل کرده، اطلاع دیگری نداریم.

روابط میان عالمان احسانی و عاملی مهاجر به ایران به دلیل اشتراک فرهنگی نکته قابل توجهی است و شواهد دیگری نیز در این خصوص در دست است. در کتابخانه ملی مجموعه مهمی به شماره ۲۸۴۲ع موجود است که از جهت نشان دادن روابط میان فقیهان عاملی و احسانی اهمیت خاصی دارد. مجموعه اخیر که از آغاز اندکی افتادگی دارد، با رساله الالفیه شهید اول آغاز شده که فردی به نام محمد بن محمد بن احمد بصری (?) در سال ۹۶۰ و در تبریز آن را کتابت کرده است و در انجامه چنین نوشته است:

«تمت الرسالة الموسومة بالالفية على يد اقل خلق الله واحوجهم الى رحمة الله محمد بن محمد بن احمد المشهور بالبصري (?) في سابع عشر جمادي الآخرة سنة ستين وتسعمائة من الهجرة النبوية صلوات الله عليه وكان ذلك في تبريز».

در زیر عبارت کاتب، شخصی که مالک نسخه بوده خود را ابراهیم بن کامل معرفی کرده و در اشاره به تملک خود بر نسخه به صورتی بسیار کوتاه تنها نوشته است: «مالکه ابراهیم بن کامل عفی الله له و لوالديه». سپس همان کاتب مطالب پراکنده چون اشعار فارسی و عربی در چند برگ نوشته است. رساله بعدی مجموعه، الجعفرية محقق کرکی است که خط آن با رساله نخست مجموعه تفاوت دارد و باید کسی دیگر آن را کتابت کرده باشد. ابراهیم بن کامل نام خود را در تملک دیگری که بر نسخه در کنار انجامه شرح باب حادی عشر که فردی به نام حزام بن ابراهیم در یکشنبه ۵ رمضان ۹۴۸ کتابت کرده، به صورت کاملتری چنین آورده است:

«هذه الاجزاء في ملك العبد الداعي، اقل عباد الله ابراهیم بن عبدالله بن محمد بن کامل الحساوي غفر الله له ولوالديه في يوم الجمعة حادي عشر...».

مجموعه حاضر بعدها در اختیار عبدالحسین بن ابراهیم احسانی، قرار گرفته که علی القاعده باید پسر ابراهیم بن عبدالله بن محمد بن کامل احسانی باشد. متأسفانه در تملک

۱ نسخه اخیر به شماره ۹۵۷۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. بنگرید به: غلامعلی عرفانیان، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ش)، ج ۱۲، ص ۲۱۰.

اخیر، بخشی که تاریخ یادداشت تملک که در آن اشاره به سال نگارش مطلب شده، زیر وصالی رفته و نمی توان آن را خواند. عبدالحسین بن ابراهیم احسائی حواشی مفصلی را بر دورساله مجموعه یعنی الجعفریة محقق کرکی و شرح باب حادی عشر علامه حلی را کتابت کرده و در برگی جداگانه در خصوص آنکه حواشی مفصل نوشته شده توسط او در حاشیه دو رساله اخیر به که تعلق دارد، یادداشتی نوشته و آن را برگرفته از آثار فقیهی عاملی به نام علی بن صبح عاملی معرفی کرده است. عبدالحسین احسائی در ضمن تصریح به تعلق حواشی به علی بن صبح او را چنین مورد ستایش قرار داده است:

«قد تشرفت وفزت بكتابة هذه الحواشي المنسوبة الى حضرت شيخ الاسلام، اعلم العلماء في الانام، علم الهدى، مرشد الوری، برهان الحق، لسان الصدق، هادي اصحاب القلوب، ملهم اسرار الغيوب، بحر الحقائق، كهف الخلائق، محرم الاسرار، سر الاله الجبار:

معین الخلق سر الله في الارض که تعظیمش بودبراهل دین فرض
محیط نقطه افضال و تفضیل مدار مرکز ارشاد و تکمیل

علي بن صبح مد الله ظلال جلاله علينا وعلى جميع المؤمنين، حرره اقل الخليفة بلاشيء في الحقيقة ابن ابراهيم عبدالحسين لحسابي وفقه الله لطاعته بمحمد وآله».

علی بن صبح عاملی مورد اشاره در این عبارت های از عالمان عاملی مهاجر به ایران است، که دانسته های ما درباره وی بسیار اندک است. افندی در شرح حال بسیار کوتاهی از وی به عنوان عالمی ساکن در اصفهان یاد کرده و گفته که از معاصران شیخ بهائی بوده و شماری از عالمان نزد او تحصیل کرده اند که از جمله آنها محمد باقر بن زین العابدین بن علی کوبنانی است که در یکی از رسائل خود از استادش یاد کرده است.^۱

احتمالا افندی این عالم عاملی را نیز به واسطه رساله کوبنانی می شناخته و در ادامه مطالب خود گفته که احتمالا علی بن صبح شیخ الاسلام یزد بوده باشد. در هر حال نسخه خطی ۲۸۴۲ع کتابخانه ملی علاوه بر اینکه مشتمل بر دو رساله مستقل از علی بن صبح می باشد، عبدالحسین بن ابراهیم احسائی حواشی مفصل وی بر رساله الجعفریة محقق کرکی

۱ افندی، ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۰۹.





و شرح باب حادی عشر علامه حلی را نیز نقل کرده است. احتمالاً عبدالحسین بن ابراهیم احسائی در یزد سکونت داشته و در همانجا با علی بن صبح که از وی به گونه ای زنده یاد کرده، دیدار داشته است. متأسفانه درباره وی و پدرش اطلاع دیگری جز همین مطالب آمده در نسخه کتابخانه ملی در دسترس نیست. ظاهراً در دوره شاه عباس و روزگار شیخ الاسلامی شیخ بهایی (متوفی ۱۰۳۰) روند مهاجرت عالمان احسائی به ایران شتاب گرفته باشد.

روابط گرمی میان عالمان احسائی مهاجر و عاملی وجود داشته است. عالمی احسائی به نام سید رضی الدین احمد بن علی بن محمد بن ابراهیم حسینی احسائی ندیدی را می شناسیم که از عالمان احسائی اهل روستای ندید قاره احساء بوده است. سید احمد ندیدی سفری به ایران داشته و ظاهراً در هنگام بازگشت از مشهد، در شهر تون اقامت گزیده و مدتی در آنجا ساکن بوده است. علت اقامت وی در شهر تون، حضور عالمی عاملی به نام علی بن محیی الدین جامعی است. علی بن محیی الدین جامعی از خاندان آل جامعی است که تعدادی از آنها به ایران مهاجرت کرده اند. علی جامعی نخست در کوبنن فارس اقامت داشته و از آثاری که او در هنگام اقامت وی در آنجا تألیف کرده، رساله ای در ارث است که در سال ۱۰۰۸ از تألیف آن فراغت حاصل کرده است. مکان فراغت از کتابت که کوبنن است در نسخه های مختلف به تفاوت آمده و در برخی از نسخ کاتبان به تصور اینکه علی جامعی از اهالی جبل عامل است و نام مذکور تصحیف کونین یکی از روستاهای جبل عامل باید باشد، به جای کوبنن فارس آن را به کونین تغییر داده اند.^۱ بعدها علی جامعی به تون در خراسان مهاجرت کرده و در آنجا سکونت گزیده است. در تون بود که سید رضی الدین احمد ندیدی با علی جامعی دیدار کرد و در حضور وی نسخه ای از کتاب ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد را کتابت کرده و در انجامه جلد او آن چنین نوشته است:

«أنه كتبه لنفسه متعه الله بحضرة شيخه الأجل، الشيخ علي بن محيي الدين الجامعي العاملي في بلدة تون، وفرغ من الكتابة في ربيع الثاني سنة ۱۰۳۵».^۲

متأسفانه اطلاع بیشتری در خصوص ندیدی و استادش علی جامعی در دست نیست.

۱ آقابزرگ (الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ۱، ص ۴۴۶-۴۴۷) نسخه ای کهن از این کتاب را دیده که در آن مکان فراغت از کتاب، کونین ذکر شده که تصحیف همان کوبنن است. برای نسخه های رساله علی جامعی که با عنوان المیراث معرفی شده، بنگرید به: مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۲، ص ۶۵۹.
 ۲ بنگرید به: الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ۱، ص ۴۴۷؛ سید محسن امین، اعیان الشيعة، ج ۷، ص ۲۸.

شیخ رمضان بن علی غریبی عالم احسائی مهاجر به یزد در عصر صفویه
مهاجرت عالمان احسائی و دیگر مناطق بحرین قدیم یعنی قطیف و جزیره اُوال در تمام دوران صفویه ادامه داشته و عالمان مذکور در شهر های مختلف ایران خاصه مناطق جنوبی ایران اقامت گزیده و برخی مدتی و گروهی تا پایان عمر در همانجا ماندگار شده اند. از میان عالمانی احسائی مهاجر به ایران در نیمه دوم قرن یازدهم می توان به شیخ رمضان بن علی بن احمد بن مسعود غریبی احسائی یزدی اشاره کرد. او در شهر یزد اقامت گزیده بود و با قاضی شهر به نام قاضی صفی الدین محمد روابط نزدیکی داشته و آثاری را به جهت او کتابت کرده است.

عمده اطلاع ما درباره او بر اساس نسخه هایی است که وی کتابت کرده است: مجموعه ای در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۶۶۴۴ مشتمل بر امالی شیخ صدوق و ربیع الشیعة که همان اعلام الوری با کمی تفاوت است؛ نسخه ای دیگر از امالی صدوق در کتابخانه ملی و مجلداتی از کتاب منتهی المطلب علامه حلی که بخشی به شماره ۵۵۸ در کتابخانه آیت الله بروجردی قم و مجلدی به شماره ۱۷۷۵۹ در کتابخانه ملی موجود است. شیخ رمضان غریبی در انجامة امالی کتابخانه ملی که از کتابت آن در روز جمعه ششم ذی القعدة ۱۰۵۰ فراغت حاصل کرده، چنین نوشته است:

«... و فرغ من تسویده هنا المذنب المقصر الجانی علی نفسه الخاطی تراب أقدام المؤمنین رمضان ابن علی بن أحمد بن مسعود الغریبی لحساوی أصلاً والیزدی منزلاً، عصر یوم الأحد سادس ذی القعدة الحرام سنة خمسین وألف من الهجرة المحمدیة علی مهاجرها ألف ألف تحیة وصلی الله علی محمد خیر البریة وآله المعصومین».

وی یک دوره از کتاب منتهی المطلب علامه حلی را کتابت کرده که اکنون مجلداتی از آن را می شناسیم، هر چند دیگر مجلدات دوره ای که او کتابت کرده به دلیل عدم ذکر نام وی در انجامة ناشناخته باقی مانده و با بررسی دست خط او و یا فهرست شدن نسخه های تازه محتملاً باید بتوان دیگر مجلدات دوره ای که او کتابت کرده را یافت. در انجامة نسخه ۵۵۸ کتابخانه آیت الله بروجردی که مشتمل بر جلد پنجم کتاب منتهی المطلب است، رمضان بن علی غریبی لحساوی اشاره ای به مکان کتابت نسخه توسط خود نکرده، اما از مخدومش



قاضی صفی الدین محمد نام برده که نشان از این دارد که مکان کتابت نسخه همان شهر یزد است، که قاضی صفی الدین در آنجا به قضاوت مشغول بوده است. رمضان بن علی غریبی در انجامة نسخه ۵۵۸ کتابخانه آیت الله بروجردی در خصوص علت و سبب کتابت نسخه توسط خود چنین نوشته است:

«... وكان السبب الى هنا وحيد الدهر وفريد العصر، علامة الزمان، عديم الاقران، اقضى القضاة، قاضي صفی الدین محمد متعه الله به طويلاً ورزقه العمل بما فيه بمحمد وذريته وكتبه الاقل الاحقر الجاني المقصر رمضان بن علي بن المسعود الغريبي لحساوي واتفق الفراغ منه في اليوم الرابع عشر من شهر محرم الحرام احد شهور سنة الحادية والخمسين والالف (۱۰۵۱) وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين المعصومين».

در انجامة مجلد دیگری از دوره منتهی المطلب مشتمل بر ششم که در کتابخانه ملی به شماره ۱۷۷۵۹ موجود است، شیخ رمضان غریبی احسائی نوشته است:

«... وفرغ من تسويده هذا المذنب المقصر الجاني على نفسه الخاطي تراب اقدام المؤمنين رمضان ابن علي بن احمد بن مسعود الغريبي لحساوي اصلاً و ليزدي منزلاً عصر يوم الأحد سادس ذي القعدة الحرام سنة ۱۰۵۰ خمسین و الف من الهجرة المحمدية على مهاجرها الف الف تحية وصلى الله على محمد خير البرية وآله المعصومين».

تاریخ آمده در این مجلد ششم ۱۰۵۰ است و تاریخ آمده در مجلد موجود در کتابخانه آیت الله بروجردی که مشتمل بر جلد پنجم است ۱۰۵۱ است و در انجامة آن تصریح به کتابت نسخه برای قاضی صفی الدین محمد نیز آمده است؛ این اختلافات دلالت بر این دارد که رمضان غریبی دو بار کتاب منتهی المطلب را کتابت کرده است؛ بار نخست در ۱۰۵۰ که مجلد کتابخانه ملی مربوط به این بار کتابت کتاب منتهی المطلب است و پس از کتابت این دوره، قاضی محمد سفارش کتابت دوره ای از کتاب منتهی المطلب را به شیخ رمضان غریبی احسائی داده و او در ۱۰۵۱ دوره ای دیگر از این کتاب را به جهت او کتابت کرده که مجلد شماره ۵۵۸ کتابخانه آیت الله بروجردی متعلق به این بار کتابت نسخه توسط وی است. در کنار انجامة نسخه کتابخانه ملی یادداشتی دال بر مقابله نسخه نیز آمده است که تاریخ آن ۱۰۵۲ است که فرد مقابله کننده همان قاضی صفی الدین محمد است:

«بلغ مقابلة وتصحيحاً بحسب الجهد والطاقة بنسخة منقولة من نسخة منقولة من نسخة المصنف ومقابلة بها في مجالس متعددة آخرها العشر الاخر من المحرم الحرام سنة اثنين وخمسين والى الف من الهجرة النبوية المصطفوية على مهاجرها الف الف التحية وكتب ... الى الله الغني صفي الدين محمد عفي عنه».

این مطلب فرض کتابت دو بار نسخه منتهی المطلب توسط شیخ رمضان غریبی احسانی را با مشکل روبرو می کند و به جای طرح ایده کتابت دو بار نسخه توسط او می توان گفت که ممکن است وی اجزائی از کتاب را به درخواست قاضی صفی الدین، بیشتر از اجزاء بعدی کتابت کرده است. بررسی بیشتر و دسترسی به مجلدات دیگر نسخه های منتهی المطلب که شیخ رمضان غریبی کتابت کرده، ممکن است بتواند پرتوی در خصوص کتابت کتاب توسط وی بیفکند. در هر حال مواردی از کتابت نسخه های خطی را سراغ داریم که تاریخ اجزاء نخست بعد از تاریخ کتابت اجزاء متاخر است که ظاهراً تنها توجیه نیاز کاتب به کتابت اجزائی مذکور پیش از بخش های دیگر باشد خاصه در صورتی که بدانیم که کاتب تنها یک بار نسخه مورد بحث را کتابت کرده است.

شیخ رمضان غریبی در انتهای نسخه امالی دانشگاه تهران (۶۶۴۴/۱) که در ۱۰۵۲ از کتابت آن فراغت حاصل کرده به مکان سکونت خود، یعنی شهر یزد اشاره کرده و نوشته است: «... تمّ الكتاب بعون الملك الوهاب في اليوم الرابع والعشرين من شهر شعبان أحد شهور السنة الثانية والخمسين بعد الألف من الهجرة المحمدية على يد أقل العباد عملاً وعلماً، وأكثرهم زللاً وخطأً، راجي عفو ربه الودود رمضان بن علي بن أحمد بن مسعود الأحسائي مولداً الليزدي منزلاً، والحمد لله وحده وصلى الله على خير خلقه محمد وآله أجمعين الطيبين الطاهرين المعصومين من آله طه وياسين»^۱.

۱ برای گزارشی از مجموعه ۶۶۴۴ دانشگاه تهران بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ش)، ج ۱۶، ص ۳۲۴. وی همچنین نسخه ای از کتاب تحریر الاکرتاودوسیوس مشهور به کتاب الاکرتا کتابت کرده که نسخه ای از آن در کتابخانه زین العابدین ابراهیمی در کرمان و تصویری از آن به شماره ۲۱۷۰ در کتابخانه دائرة المعارف بزرگ موجود است و در این نسخه، او نام خود را رمضان بن علی الهجری ذکر کرده است. بنگرید به: احمد منزوی، فهرست نسخه های عکسی کتابخانه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲ش)، ج ۱، ص ۶۱.



اطلاع آمده در انجامة اخیر که شیخ رمضان غریبی از تولد خود در یزد سخن گفته نشان از این دارد که پدر او علی بن احمد بن مسعود احسانی نخستین فرد از خانواده است که به ایران مهاجرت کرده و در یزد سکونت گزیده است. خاندان شیخ رمضان غریبی همچنان در یزد اقامت داشته اند و دانسته است که فرزند او شیخ بن رمضان غریبی در ۱۰۷۱ در مکه آن را کتابت کرده و در انجامة نسخه به سکونت خود در یزد احمد بن رمضان غریبی (زنده در ۱۰۷۱) همچنان در یزد اقامت داشته است. نسخه ای از کتاب علل الشرائع شیخ صدوق به شماره ۲۰۷۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که شیخ احمد اشاره کرده و چنین نوشته است:

«... تمّ بقلم الفقیر الراجی عفوربه المنان العبد أحمد بن رمضان بن علی بن أحمد بن مسعود الأحسا أصلاً، والیزدی مسکناً فی الیوم الثالث والعشیرین من شهر شعبان المبارک فی مکه المعظمة زادها الله شرفاً وتعظیماً فی شعب علی^x فی سنة احدى وسبعین بعد الألف»^۱.

با وجودی که تصریحات روشنی جز در یکی از این چند نسخه که به روابط میان خاندان شیخ رمضان غریبی با دولتمردان صفوی، یعنی قاضی شهر یزد نیامده، او و خانواده اش باید از حمایت مالی صفویان برخوردار شده باشد و به احتمال بسیار به کار تدریس در یکی از مدارس شهر یزد مشغول بوده و مستمری نیز بابت آن دریافت می کرده است. حضور و نقش این دسته از عالمان در تثبیت تشیع و بسط آن نکته ای است که چندان به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات مورد توجه قرار نگرفته است.

از دیگر عالمان احسانی که مدتی در ایران اقامت داشته می توان به سید احمد بن محمد بن جماز حسینی طبسی احسانی (زنده در ۱۰۴۰) اشاره کرده که به درخواستش، سید محمد تقی بن محمد شفیع حسینی کتاب تذکرة الفقهاء را برای او کتابت کرده که اکنون مجلدی از آن مشتمل بر جلد پنجم و ششم به تاریخ فراغت آغاز رمضان ۱۰۴۰ در کتابخانه مدرسه

۱ برای تصویر انجامة نسخه علل الشرائع آستان قدس بنگرید به: حسین واقتی، التراث المکی: الأجازات، المستنسخات، المؤلفات، النصحیات، التملکات، ص ۲۷۳ و تصویر شماره ۵۱ در بخش تصاویر. توجه به این خانواده احسایی حاصل تذکر دوست گرامی استاد محمد علی حرز است.

مروى به شماره ۴۶۹ موجود است.^۱ کاتب نسخهٔ اخیر در انجامة جلد پنجم در اشاره به سید احمد حسینی که کتاب را برای او کتابت کرده، چنین نوشته است:

«قد كتبت الكتاب وما يتلوه للسيد الحسيب النسيب السيد احمد ابن السيد محمد ابن السيد احمد بن جهماز الحسيني المدني اصلاً، الطبسي مسكناً، الاحسائي مولداً، متعه الله به آمين يا رب العالمين».

عبارت اخیر دلالت بر این دارد که سید احمد طبسی در احساء دیده به جهان گشوده و خانواده اش لز سادات اهل مدینه بوده اند که به احساء مهاجرت کرده و در آنجا اقامت داشته اند. سید احمد خود به ایران مهاجرت کرده و در طبس اقامت گزیده و مدت طولانی در آنجا ساکن بوده که به اقامت در آنجا نیز شهرت یافته است. عالمی به نام علی بن ناصر بن اسماعیل بن محمد بدران احسائی که اهل روستای عمران احساء بوده در ۱۱۰۶ و در شهر یزد کتابت نسخه ای در لغت را به پایان برده و در انجامة آن نوشته است:

«... وقع الفراغ من تسويد أوراقه ضحوة اليوم الثاني من شهر رمضان المبارك يوم الأحد السابع الأول من الشهر التاسع في السنة ۱۱۰۶، ببلدة يزد المسماة بدار العبادة، إحدى قرى العجم ببیت المرحوم المغفور المبرور ملا محمد معينا البيزدي، بقلم العبد الأقل الفقير الحقير المحتاج إلى الله العلي الكبير عبده وابن عبده علي بن ناصر بن محمد بن اسماعيل بن بدران الأحسائي، ساكن قرية العمران، إحدى قرى الأحسا المحروسة عن الأسواء، غفر الله له ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات إنه غفور رحيم، وقد كتبتة بنفسى بيدي وهو في ملكي وقبضتي إلى الآن، فلعن الله سارفه وغاضبه وناهبه وعارفه ولم يرده إليه بغير وجه، والحمد لله رب العالمين».^۲

حضور عالمان احسائی در شهر های مختلف که تقریباً در منابع عصر صفویه مورد غفلت قرار گرفته و گاه تنها افندی به برخی از این عالمان اشاره کرده، موضوعی است که با بهره گیری از نسخه

۱ کاتب نیز از خود به شکل جالبی یاد کرده است. او در اشاره به سیادت خود چنین نوشته است: «... وافق الفراغ من نسخة هذين الجزوين الرابع والخامس على يد افقر خلق الله الى رحمة ربه ورضوانه غريق بحر الذنوب والخطايا الراجي الشفاعة من النبي الشفيح وآله الذخر المنيع العبد محمد تقى ابن محمد شفيح المنتمي نسبتة الى ابن عم النبي وزوج ابنته سيف الله علي بن ابي طالب واولاده المعصومين في تاريخ غرة شهر رمضان المبارك سنة ۱۰۴۰ من الهجرة النبوية».

۲ دسترسی به این نسخه به واسطهٔ استاد محمد علی حرز هستم که این اطلاع را از قول استاد احمد البدر نقل کرده اند.



های خطی کتابت شده یا تملک آنها قابل بررسی است. عالمان مذکور در مدارس شهرهای محل اقامت خود حضور یافته، به تحصیل یا تدریس مشغول بوده و حتی ممکن است که عهده دار مناصبی بوده باشند، اما مشخص است که دیدگاه آنها نسبت به صفویه مثبت بوده و از اقامت در ایران و در ظل حکومتی شیعی خرسنده بوده اند و در تحکیم و یا حمایت آن کوشش کرده اند. به واقع در تصور عموم و بیشتر عالمان امامی عصر صفویه، دولت صفویه حکومت مورد اشاره در برخی از احادیث بود که پیش از ظهور امام عصر تشکیل می شود و زمینه را برای حضرت و تشکیل حکومت ایشان فراهم می کند. این تصور را می توان به شکل های مختلفی در آثار عالمان عصر صفوی دید. به عنوان مثال آقا جمال خوانساری در آخر وقف نامه ای نگاشته و اینک به شماره ۴۹۵۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، نوشته است:

«... وكتب الداعي لدوام الدولة الابدية القاهرة ابن حسين جمال الدين محمد الخوانساري اوتيا كتابهما يميننا وحوسبا حساباً يسيراً وكان ذلك في شهر ربيع الاول من شهر ثلاث عشر ومائة بعد الألف ۱۱۱۳»^۱.

در دیگر وقف نامه هایی که آقا جمال در باب کتابهای وقف شده توسط شاه سلطان حسین صفوی نوشته، همین تعبیر آمده می توان به حاشیه شرح جمع الجوامع کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۸۵۶ اشاره کرد. مرحوم محمد باقر مجلسی نیز در وقف نامه ترجمه چهل حدیث که شاه سلطان حسین صفوی در ۱۱۱۰ وقف کرده و اینکه در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۶۵۷ موجود است، نوشته خود را چنین به پایان برده است:

«وكتب الداعي لدوام الدولة القاهرة البهية الحسينية».

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نسخه ای از کتاب تهذیب الاحکام به شماره ۱۶۷۸۲ موجود است که در تملک یکی از عالمان عاملی بوده و او نیز تعبیری مشابه درباره صفویه به کار برده و نوشته است:

«هو؛ من عواري الزمان قد انتقل اليّ بالبيع الشرعي في اسعد الساعات والاوان وانا الداعي لخلود الدولة القاهرة ابن حسن بن حسين العاملي...»^۲.

۱ برای تصویر برگ مجموعه ۴۹۵۴ که در آن وقف نامه نوشته شده توسط آقا جمال خوانساری آمده بنگرید به: رسول جعفریان و رسول جزینی، وقف نامه های کتاب صفوی، ص ۱۲۴.
 ۲ برای تصاویر نسخه های مورد اشاره بنگرید به: جعفریان و جزینی، وقف نامه های کتاب صفوی، ص ۱۲۱-۱۲۲، ۲۰۰.

در یادداشت هایی دال بر وقف نسخه ای از کتاب جبل المتین شیخ بهایی؛ دعائم الاسلام قاضی نعمان و شماری دیگر از آثار کتابت شده از درآمد حمام نقش جهان، مرحوم مجلسی در آخر وقف نامه نوشته است:

«وکتب الداعي لخلود الدولة القاهرة محمد باقر بن محمد تقی المجلسی...»^۱

موقوفات دولتمردی ایرانی در هند بر مؤمنان شهر اردکان

در دوره صفویه و ادوار بعدی آن ایرانی مهاجر به هند در دربارهای پادشاهان هند جایگاه و مقامی گاه ارزشمند داشته اند و از همین رهگذر سرمنشأ خدمات گوناگونی بوده اند. در مواردی دولتمردان مورد بحث در اواخر عمر به ایران بازگشته اند. از جمله این افراد که اندکی بعد از سقوط صفویه به زادگاهش شهر اردکان یزد بازگشته، شخصی است به نام محمد سمیع بیگ خان بن ملک حسین بن محمد امین بن محمد تقی اردکانی. وی در بازگشت به شهر اردکان در اواخر عمرش، نسخه های خطی که در هنگام اقامت خود در هند گردآوری کرده بود را بر همشهریان خود وقف کرده است. شمار اصلی این نسخه ها دانسته نیست اما اکنون تعدادی نسخه در کتابخانه مدرسه امام صادق × شهر اردکان موجود است که بر آنها عبارت وقفی بودن توسط محمد سمیع بیگ خان به سال ۱۱۴۶ درج شده است. عبارتی یکسان بر روی نسخه های وقف شده او آمده که چنین است:

«وقف صحیح شرعی نمود این کتاب را بنده عاصی روسیاه محمد سمیع بیگ خان خلف غفران پناه ملک حسین بن حاجی محمد امین حاجی محمد تقی اردکانی بر کافه مؤمنین قصبه اردکان یزد بشرط آنکه نخرند و نفروشند و رهن نگذرانند و از قصبه مذکور بیرون نبرند، خلاف کننده بلعنت خدا و نفرین حق گرفتار شود. ای برادران مؤمن هر گاه بخواندی سوره فاتحه مع اخلاص تخفیف در عذاب این روسیاه شود. شما را بحق حضرت رسالت پناه و شاه نجف قسم است که کوتاهی نخواهید کرد. تحریر بتاریخ غرة رجب سنة ۱۱۴۶».

۱ بنگرید به: رسول جعفریان و رسول جزینی، وقف نامه های کتاب صفوی، ص ۳۲۵-۳۳۵، ۳۳۷-۳۴۵. آقا جمال خوانساری نیز بر چند نسخه وقفی حاصل از درآمد حمام نقش جهان نوشته است: «وانا الداعي لدوام الدولة القاهرة». رسول جعفریان و رسول جزینی، همان، ص ۳۴۶-۳۴۷.



آثار مورد بحث برخی کتابهایی امامی و در مواردی تألیفاتی زیدی هستند. در مواردی نسخه وقف شده به ظاهر منحصر به فرد باشد که از جمله این آثار می توان به کتاب السوانح المرضیة والنوافخ العطریة تألیف احمد بن محمد بن نعمة الله بن خاتون مکی اشاره کرد که بعد از درگذشت استادش جمال الدین محمد بن احمد مشهور به ابن خاتون عاملی در ۱۰۵۸ که برای بیش از چهل سال در دربار قطبشاهیان حضور مهمی داشت، دربار قطب شاهی را ترک کرد و کتاب مذکور را تألیف کرده است.

